



دوشنبه ، بیست و نهم مردادماه ۱۳۵۸ بها : ۱۵ رسال

شورش زحمتکشان تبریز

توده‌ها بر علیه سرمایه‌داران و گران فروشان

بپای خیزند

• قان ورمشوخ آزاد اولاخ ، سرمایه‌دار نابود اولا

• کاخ نشین نابود است ، مستضعف پیروز است

منوجه بود ، رصه رصه بر علیه سرمایه‌داران جهست کرت . مردم خود کامیوهای بار را ضبط کرده و سه سمات اران در معرض فروش قرار می دادند . آتالله مدنی در تک سخنرانی مردم را به آرامش دعوت کرده ، گفت هتکس حق ندارد خودسرانه با گران بقتنه در صفحه ۴

از چند روز پیش در شیر سار شده بود که مردم نهران به بازار حمله کرده اند . روز جمعه ، آتالله مدنی نماینده امام ، در خطبه نماز جمعه به گران و گرانفروشی اعتراض می کند . بدنبال اس اعتراض ، مردم که از گران به تنگ آمده بودند ، بحرکت در آمدند . اس حرکت خود خودی که ابتدا بر علیه خرده فروشان

۲۸ مرداد

شکستی طبیعی ،

تجربه‌ای

فراموش نشدنی

صفحه ۷ و ۶

جنبش کارگری

• بازداشت وابستگان رژیم شاه

توسط کارکنان شرکت سد ایران

• کارگران ایران ناسیونال بر علیه

آئین نامه انضباطی

• دستگیری سه نماینده کارکنان

ایران ترمینال (خرمشهر)

• کارگران جنرال موتورز :

«ما چهل ساعت کار در هفته را

به دولت تحمیل می کنیم»

صفحه ۱۱ و ۱۲

فانسیسم عربیان

گزارشی از تهاجمات روزهای اخیر

بوسط سخنخوس نسکلی کا ملا با حواشمرده انجادا غننا ش و ... را در روز یکسه که بوسط عوامل خود اس انجادا کرده بود ، بگردن نطا هر کشندگان و معتصرین به حکم صدا انقلابی دادستان انقلاب اسلامی ، گذاشت . اما واقعیت چه بود؟ و چه کسانی بقت نطا هر کشندگان حمله بردند ؟ حدود ساعت ۶ بعد از ظهر ، جمعیت از حیایان ۱۶ آذر و یکی از در های حوسی دانشگاه وارد خیابان انقلاب (ناهرقا) شد . در این حال برخی از کسانی که دوطرف صف نطا هر کشندگان قرار داشتند شعار مرگ بر کمونسیت میدادند و اعلامیه های سازمانهای سیاسی را که بقتن بقتنه در صفحه ۴

عصر روز یکشنبه بدعوت جنبه دموکراسک ملی و چندسازمان دیگر راهبماتی ای در اعتراض به شورش به مطبوعات آزاده ... انجام شد که بطلب حملات از بس سازماندهی شده ارتجاع بدت بخون کشده سد . اس در حالی بود که بارها و بارها از سوی برگزارکنندگان تظاهرات به دولت و مقامات مسئول راجع به حمله چماق بدستان و ... هشدار داده شده و خواسته شده بود که دولت حفظ امنیت نطا هر کشندگان را سمبده بکشد . اما همانطور که انتظار میرفت عوامل ارتجاع در کمال آزادی تظاهرات مسامت از روز یکشنبه را بخون کشیدند و باز همانطور که انتظار میرفت دولست

چگونه بورژوازی حاکم ، دادگاههای

انقلاب را بدست خود گرفته است

در اثر اعمال نفوذ ، نیم ساعت تنفس دادگاه هویدا یک ماه ونیم طول کشید!!

«سنتش انقلابی» (۱) افراد مورد اطمینان را براسان دادگاهها نشا نده و از آنها مضحکه ای جهت تحقیر انقلاب ونوده ها درست کرده اس . و امروز در حالیکه هارترین و سرتاس ترین سربندگان رژیم سابق از صبل سرهنگ هونتگ تهرانسی رئیس ساواک آذربایجان ، پرویز مرزاسی رئیس ساواک کرج و ... مثل شاخ سماد در خیابانها قدم مینهند و بقتنه در صفحه ۵

امروز دیگر خیال بورژوازی حاکم از جانب دادگاههای انقلاب راحت گشته اس و افراد کارآزموده و حساب بس داده خود را با خاطری آسوده دور خود جمع نموده و بیکه بیک بر مستند مقامهای مهم و حیاتی در ارتش ، ادارات و ... گمارده و می گمارد . آری ، بورژوازی دادگاههای انقلاب را از درون نهی ساخته و بس از خراج افراد «فاندلحیت» (۱) وفاقت

ویژه نامه پیکار

مخصوص فلسطین

و در این هفته بخوانید

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

میشد، پاره میکردند. هنگامیکه تعداد زیادی از جمعیت وارد خیابان انقلاب شدو جلو صفا به مقابل درب بزرگ دانشگاه رسیده بودحملات مرتجعین و عوامل مشکوک (که البته عده ای از افرادنا آگاه هم در میانشان برخوده بودند، افرادی که مزدوران با سوء استفاده از احساسات مذهبی شان و با تحریف وقایع برای آنها، بخدمتشان گرفته بودند.) با چوب، سنگ و بطری به جمعیت تظاهر کننده حمله کرده و آنها را به داخل خیابانهای فرعی عقب راندند. ولی تعداد تظاهر کنندگان بیشتر و عزم آنان را سخت تر از آن بودکه باین آسانی ها فلا نژها به اهدافشان که همانا بهم زدن تظاهرات و متفرق کردن جمعیت بودند دست یابند. جمعیت تظاهر کننده با اینکه تعداد زیادی زخمی داد ولی فوراً بهم پیوست و تراکم نسبت به قبل بمراتب بیشتر شد. و با حرکت یکجا چپ و خشمگین خود فلا نژها را که اسلحه شان (سنگ و بطری) بطور موقت تمام شده بود عقب رانده و بطرف چهار راه صدق روان گردید. شعار جمعیت در این لحظات "آیندگان، روزنامه آزادگان" - "آیندگان آزاد با بگردند"، "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ فاشیسم" بود. اما کمی بالاتر از خیابان آنا تاول فراش مجدداً حملات فلا نژها (که گویا برایشان سنگ و بطری رسیده بود) از سر گرفته شد و تعداد زیادی (بویژه از خانها) زخمی بر جای گذاشت که توسط مردم بسرعت به بیمارستانهای مختلف انتقال داده شدند. جماعت بدستان بی محابا به مردم حمله میبردند و کسانی را که اعلامیه سازمانهای سیاسی بدست داشتند مغرور میکردند حتی در مواردی کیف زنان بی چادر را باز کرده دنبال کتاب و یا روزنامه چینی میگشتند تا در صورت یافتن، ما حیث را مورد ضرب و حرج قرار دهند. اما علیرغم همه اینها، تظاهر کنندگان براه خود ادامه میدادند و با اینکه بارها توسط فلا نژها صفوف آنها از هم متلاشی شدولی بعد از مدت کوتاهی فشرده تر و متراکمتر از پیش به راهپیمایی خود پیوستی نخست وزیری ادامه میداد و سرانجام انبوهی از تظاهر کنندگان خود را به مقابل نخست وزیری رساندند و در کنار شلیک تیرهای هوایی، گاز اشک آور و حملات فلا نژیست ها قطعنامه خود را قرائت کردند. برخی از شعارهای تظاهر کنندگان در مقابل نخست وزیری چنین بود: "بازرگان، بازرگان، مسئول خون مائی"، "بازرگان بازرگان، همدست ارتجاعی"، "سنگ و چماق، اسلحه دیگر اثر ندارد". تظاهر کنندگان پس از قرائت قطعنامه در حالیکه دائماً مورد تهاجم فلا نژها که به چوب، سنگ و بطری مسلح بودند، قرار میگرفتند بطرف دانشگاه در مسیر خیابان باستور - کارگر براه افتادند. تظاهرات سرانجام در حالیکه ساعتی از شب گذشته بود و صدها نفر زخمی شده بودند، پایان پذیرفت.

آری، تظاهرات پایان یافته بود با صدها زخمی از طرفین (نیروهای مترقی هم در مواردی به حملات گروه مهاجم بصورت تلافی پاسخ میدادند) و امپریالیسم و عواملش در نهایت حاکمه لبخند فرات آمیزی بر لب داشتند. آنها توانسته بودند تظاهرات مسالمت آمیزی را بخون بکشند و با توجه باینکه رادیو تلویزیون و بسیاری از روزنامه ها را در دست دارند به سوجوشی از حاصل "دسترنج" خود اربابان شان برداختند و چنین است که سخنان سخنگوی دولت که سراسر قلب و تحریف است معنی روشنتری پیدا میکند.... اما حملات ارتجاع، بدست چماق بدستان بعبقراً آگاه، به مراکز نیروهای مترقی و کتابفروشی ها و... پایان نیافته بود فردا (روز دوشنبه) تظاهرات ادامه مییافت. برای ارتجاع حمله به آزادی ها و نیروهای مترقی وارد مرحله جدیدی شده. هدف نخستینش نیروهای چپ، سپس نیروهای دمکرات خواهد بود. ارتجاع میخواهد آسودگی حکم برانده، فاشیسم طاقت هیچگونه مخالف و مخالفتی ندارد. اگر می بینیم که اکنون مخالفی و مخالفتی هست، یکی بخاطر نیرو و قدرت مخالفان است و دیگر بخاطر ضعف و طولیت فاشیسم. اما، آیا فاشیسم در ایران بحد بلوغ خواهد رسید؟ این مساله ایست که پاسخ را باید در آینده دریافت کرد ولی آنچه که مسلم است عملکرد نیروهای انقلابی و مردمی در جلوگیری از رشد فاشیسم بسیار تعیین کننده خواهد بود.

کمیته و فلا نژها در تهاجم

پس از حمله فلا نژها به دفتر دانشجویان مبارز و حمله آنها به ستاد فدائیان خلق ما موران کمیته، داخل ساختمان پیشگام مستقر شدند و روی ما مها سنگر بستند

کردند. در حدود ساعت ۱۲/۵ یکدسته فلا نژ به جلویی پیشگام رسیدند، با رسیدن آنها یک نفر از کمیته چی ها که شخص ریثویی با لباس معمولی بود جلو آمد و گفت: براه - دران، ما موران کمیته در اینجا هستند و اینجا در دست خودمان است. ولی وقتی دید فلا نژها توجی نمی کنند، مصاد: محسن آقا، محسن آقا و بدشبال آن یکی از فلا نژها جلو آمد و ما مور کمیته به او گفت: اینجا من و در دست خودمان است، شما خاطر جمع باشید، یکی از فلا نژها اعتراض کرد که املا تو گزاره هستی، اینها توده ای و کمونیستند. کمیته چی میزور گفت: اینها توده ای نیستند و منم ما مور کمیته، منطقه ۹ هستم. سپس کارتر را در آورد و نشان داد. کارت به اسم حسین مادی بود و مهر کمیته، امام را داشت. سپس محسن آقا به فلا نژی که اعتراض کرده بود گفت "بریم، از خود - مونه" و فلا نژها از ساختمان پیشگام دور شدند. دانشجویان پیشگام اظهار می کردند که پس از حمله به

اعلامیه دانشجویان مبارز

دست خون آلود فاشیسم از دانشگاه کوتاه!

مقارن ساعت ۵/۵/۲۲ دوشنبه صبح روز دوشنبه ۵۸/۵/۲۲ گروهی بسرگردگی اوباش و لمین های معلوم الحال با شعار (حزب فقط حزب الله) و مسلح به چوب و سنگ و میله - های آهنی ابتدا به دستفروشهای روبروی دانشگاه حمله کرده و پس از نابود کردن کتب و نشریات آنها به دفتر "دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر" در محوطه اصلی دانشگاه تهران حمله کردند. اراذل و اوباش ابتدا دانشجویان منمنده دفتر را مورد فحاشی قرار داده و مغرور نمودند سپس کلیه نشریات، کتب، آرشیو و پرونده ها را از بین بردند.

در این بین وسائل شخصی دانشجویان متعددی دفتر نیز سالم نماند و موجودی صندوق نیز توسط مهاجمان بسرقت رفت. (در هنگام حمله، عده ای از رفقای ما به کلا نتری ۸ و کمیته مربوطه مراجعه کردند و از آنها خواستند که جلوی حمله مهاجمین را بگیرند، اما افراد کمیته و کلا نتری با بی اعتنائی و سردی پاسخ دادند: "ما ربطی نداریم!". غارت دفتر بیشتر از نیمه طول کشید و مهاجمین بدستور "رهبری" شان بطرف ستاد "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" روانه شدند و پس از مدتی آنها را نیز بقول خود "تسخیر" کردند.

حمله به نیروهای انقلابی، کانونها و اجتماعات آنها را با شعار "کمونیسم نابود است" می توانیم بکرات در تاریخ مشاهده کنیم. مثلا در زمان

تهاجم

(نوسته ریغی که خود شاهد هجوم بوده است.)
روز در آغاز خود بود. در اطراف دانشگاه تهران، دستفروش ها بساط کتلهای خود را تازه گسترده بودند، بساط رنگارنگی که سوی آزادی دارد، و یکی از معدود دستاوردهای حرکت شکوهمندانه و متحذلق ما را به نمایش می گذارد. رشد فرهنگ را نوبد می دهد و گسترش آرمانهای مقدس را که به برکت آن خلق محروم سرزمین ما، خلق قهرمان ما، آگاه خواهد شد.

ظاهر شدن گروه های آشنائی که بانگ "مرگ بسر کمونیسم" برداشته بودند، در آن ساعت از روز، همه را متعجب کرد، و در رابطه با اتفاقات روز قبل که بحث بر سر آن در همه جا گسترده بود، احساس شومی را در قفسه می پراکنده. اما مجالی برای مزیمه کردن این احساس نماند. قبل از آنکه حبه بر درک در آید، واقعه شوم اتفاق افتاد: مهاجمین بعد از تخریب و درهم ریختن بساطی که بسیار شان نما می سرماییه کسانی بود که آه در بساط نداشتند، در حالی که با قی کتا بفروشان با عجله بساط خود را بر می چیدند، بداخل دانشگاه بپوش بردند، کسانی که در داخل دانشگاه اینجا و آنجا پراکنده بودند، به طنین غیر عادی و فریاد گونه شعارهای آنان که خبر از حمله می داد، سراسیمه در جهت مدا شروع به دویدن کردند، و برخی از آنان که بد رستی تشخیص داده بودند که جهت حرکت دسته مهاجم، دفتر "دانشجویان مبارز" است، سعی کردند سریعتر بدون تا آنها را از خطر هجوم آگاه کنند. اما فایده ای نکرد. چند لحظه بعد مهاجمین سر رسیدند. فریاد زنان سعی کردند در اطراف خود ربع و وحشت بپراکنند. یکی از آنان پیشنهاد کرد که بداخل دفتر حمله نکنند. باقی هم بطور مفشوشی

دفتر دانشجویان مبارز، رئیس دانشگاه به نخست وزیری تلفن می زند ولی جواب می دهند که کاری از دست ما ساخته نیست. به کمیته تلفن می زند، آنها هم می گویند کاری از دست ما ساخته نیست. بالاخره کمیته دانشگاه اقدام میکند و ما موران کمیته منطقه ۹ در ساختمان پیشگام مستقر می شوند.

تهاجم، سازماندهی شده بود

در حمله فلا نژها به دفتر دانشجویان مبارز چیزی که کاملاً جلب توجه میکرد این بود که حمله کاملاً سازماندهی شده بود و چند نفری در میان فلا نژها دنباله اسناد و مدارک میگشتند و این کار را با دقت هم انجام میدادند و بالاخره هم آنها اسناد مورد نظر را ضبط کرده با خود بردند. کار این چند نفر که تیب ساواکسی داشتند، سوی بقیه بود که فقط تخریب میکردند.

هیتر، فاشیستهای هیترلی تحت لوای ضدیت با کمونیسم بود که ابتدا قدرت را در آلمان قبضه کردند و سپس فاشیسم را حاکم گردانیدند.

توطئه گران و مرتجعین وابسته به امپریالیسم جهانی تعرض وسیع و همه جانبه ای را علیه آزادیخواهان و آزادی شروع کرده اند و در این رهگذر با سکوت دولت که خود دللیلی بر باز گذاشتن دست امپریالیسم و ارتجاع می باشد، روز بروز پنجه خونینشان را هر چه بیشتر از آستین بدر میاورند. و بالاخره امپریالیسم همیشه در نهایت برای سرکوب نهائی مخالفانش به فاشیسم متوسل خواهد شد.

مسلت مبارز ایران:

بهوش با شیم

"بهوش با شیم و در مقابل انحصار طلبی و ارتجاع که روز بروز قویتر میشود مقابله نمائیم".

"دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر به همه نیروهای فدا میزالیست و ارتجاع هشدار میدهند که در مقابل این موج ترور و اختناق ایستادگی کرده و در راه قطع نفوذ کامل امپریالیسم صفوف خود را هر چه بیشتر متشکل نمایند".

دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر

۵۸/۵/۲۲

دور خود می چرخیدند. و فریادی زدند. در این لحظه چند نفر از مهاجمین که با در بسته روبرو شده بودند، از در اتاق نگهبانان بداخل دویدند و وارد دفتر شدند. تنها دو دختر و دو پسر دانشجو داخل اتاق دویدند. مهاجمین بداخل پریده و با دیدن دختران دانشجو فریاد زدند. "کمونیستها فاشه اند! حالا کی جرات داره بگه من کمونیستم؟!". و در پی آن سیل فحش بود که جاری می شد. همراه با فحاشی به پنجره حمله کرده و شور سیمی را باره نمودند. با چهره های فاتح و مسخ شده، نشریات را دسته دسته به با شین برتاب میکردند و نعره می زدند: "پاره کنید، نگذارید یکی سالم بمونه" فضا بطرز عجیبی آکنده از هیستری "ند کمونیستی" بود. مهاجمان مانند آدمهای هیستریک، فحاشی میکردند، کلمات رکبک مثل سیل جاری بود. به اطراف خود حمله میکردند. چماق را در دست می چرخاندند و فحش می دادند. بچه های کوچکی که همراه شان بودند، با بیای آنان حرکات شان را تقلید میکردند. مصومیت کودکانه شان به وقاحتی رنج آور تبدیل شده بود. فحاشی کنان، بر روی نشریات پاره شده که زمین را پوشانیده بود، غلت می زدند و قهقهه سر می دادند. آه اگر می دانستند که کمونیستها این نشریات را با خون گرمی که از قلبشان می جوشد و سرریز می شود، نگاشته اند، قلبی که برای خلق مبتدیان آه اگر می دانستند که با چه زحمت و رنجی این نوشته ها را بجا برسانیده اند. اما آنجا که جای این سخنها نبود. تمامی آرمانهای مقدس، با رکبک ترین کلمات به مسخره ترین بازی گرفته شده بود. مهاجمان با کمال وقاحت و بد ختران و بصرانی که سعی داشتند اندکی از نشریات را نجات دهند، حمله می بردند. یکی از دخترها تعداد کمی نشریه را به سینه خود چسبانده بود و چون عزیز می بخود می فشرد. و بیه عده ای مهاجم که بر سرش

یکی از دوعل مهم برآمد جنبش نوده‌ای را " و مسود سازمانهای صلح بشرو که با ادا ما مبارزه خوددرسطح جامعه به شکستن ترس و خفت توده‌ها کمک کردند" (ص ۹) می دانند ! در چنین دوران توفانی که توده‌های میلیونی هرروز در خیابانها به مبارزه رودررویی دولتمنان مسئول بودند، رفقای فدایی با عملیات نه‌اجمی فردی خویش می‌خواستند (البته در ذهن خود) به توده‌ها کمک کنند ، حال آنکه با اعلامیه‌های خود که تنها سر " دیکتاتور فدی شاه " تاکید داشت عیلا به انحراف لبرالی جنبش‌کدی می‌کردند .

افسارگری نیروهای مبارز از رویزیونیستی‌های حزب توده‌ای و پتک سنگن وقایع روزمره" انقلابی که لبرالی بودن و رویزیونیستی بودن " شمار استراتژیک نرسد با دیکتاتوری " را نشان می‌داد (شاری که بر اساس آن و قاعدتا باید با سرنگونی شاه تمام نظام سرمایه‌داری وابسته واژگون میشد و انقلاب وارد مرحله سوسیالیستی می‌گردید) بالاخره رفقای فدایی را مجبور به تغییر شعار کرد . در آذرماه ۱۳۵۷ فقط یک ماه قبل از آنکه شاه از ایران فرار کند ، رفقا در یک اعلامیه (" هراژی ما رژیم حیانت‌به آرمان مردم است ") بطور غیر صریح و بدون آنکه کسی متوجه شود شعار خود را بین‌گرمته و سر اهمست تاکید بر جنبه فدا مریالیستی

انقلاب ، اعتراف کردند . رفقا علاوه بر اس که سه اصطلاح " محتوی عملیات تلبلی خود را نرسید داده و ضد دیکتاتوری " بودن مرحله اصطلاح را در کردند به " شکل " مبارزه خود نیز - باز بهمان نحو غیر صریح - ایراد وارد آورده و در جزوه " و طابفاسی ما " (آبان ۵۷) گفتند که : " در شرایط کنونی بیوند ساسی - تشکلاتی با طبع کارگر را به ماب و وظیفه عمده تمام م . ل های طرفدار جنبش ملحانه می دانم " (ص ۱۳) البته بدون آنکه هیچگونه انتقادی از می گذشته به عمل آورند و با حتی حرفی صریح از رد " مبارزه ملحا - به عنوان محور " نزنند ! این گرایش چنانچه ناقد صادقانه و انقلابی گذشته همراه می شد ، می توانست راه را برای یک حرکت انقلابی بسمت برولناریا باز کند . ولی رفقای فدایی که از حرکت سریع نیروها و عناصر مبارز وابسته به می جریکی ، منجمله توده‌های هوا - دار این سازمان به سمت می توده‌ای انقلابی بسیم داشتند ، دوباره با " جنگ انداختن به تکه باره‌های از هرنوع تئوری " سعی کردند تا " موضع مانی " خود را حفظ کرده و نیروها را دور خود نگاه دارند . در این مقطع بود که شعار " حاکمیت خلق " بجای شعار به اصطلاح " جپ و آنا ریشیستی " " جمهوری دموکراتیک خلق " نشانده شد ، به این سبانه که : " در مرحله کنونی تنها به تشدید تظاهراتی جریان های غیر برولتری با جنبش کارگری منجر خواهد شد " (باز هم و طابفاسی ص ۶ ، آذر ۵۷) بدین سان رفقای فدایی با بند بازی - های ماهرانه خویش و با طرح تئوریهی و شعارهای من درآورده ، سعی می کردند تا همچنان موضع " میان دوسندلی " خود را حفظ کنند .

حوادث قیام بهمن ۵۷ و شرکت فعال و انقلابی رفقا در این قیام ، موجب شد که راهی برای گریز از حل انقلابی تظاهراتی درون می جریکی و سازمان چریکی گنوده شود . جبارت انقلابی رفقای فدایی در این قیام و حوادث پس از آن ، باعث شد که موج جدیدی از نیروها و عمدتا لایه‌های مختلف روشنگران سوسیالیسم چریکی فدایی خلق روی آور شدند . با نه‌های اجتماعی سازمان چریکی فدایی پس از قیام وسیع تر شوا فضا ر مختلفی از خرده بورژوازی غیر سنتی چون کارمندان ، معلمان ، دانش آموزان ، استادان ، مهندسن ، بزگان و ماحنان مشاغل آزاد و غیر سنتی را (مرنظر از دانشجویان که با نگاه همیشه آنها بوده‌اند) در بر گرفت . این نیروی جدید توانست در شرایط فقدان بسک نیروی واقعا برولتری اقتضای از طبقات دیگر را به خصوص در مناطق ملیت‌های غیر فارسی که در آنجا زمینیه برای رشد سازمانهای انقلابی فراهم است بسوی مسود جلب کند .

بحران انقلابی اخیر و قیام بهمن ماه در واقع حتی به سرخت‌ترین دکماتبستها نادرستی این مشی را نشان داد ، و واضح بود که سازمان چریکی فدایی نیز نمی توانست در برابر این واقعیات مسلم و انکارناپذیر که این مشی را نه زیر سوال میکشید ، تانه خالی کند ، اما این بار نیز رفقای فدایی بجای نقد انقلابی گذشته ، به رد ضمنی و غیر صریح آن دست زدند ،

مشی چریکی را هم که بدین بن بست رسیده بود در خطر بلعیدن گرفت . در اصطکاک با این موج ، بخشی از سازمان چریکی فدایی خلق شکست و با " نقد " رویزیونیستی از می جریکی بصورت " گروه منشعب " نامان حزب توده افتاد و در خدمت سوسیال امیرالیسیم روس درآمسد . بخش دیگر نیرو و سوان خود را جمع کرد و کوشش نمود تا با " جنگ انداختن به تکه باره‌هایی از هرنوع تئوری " و " نقد " رفرمیستی از گذشته هونت انقلابی خودرا حفظ کند . در آبان ۱۳۵۶ " بیام دانشجو " شماره ۳ درآمسد که رد می " حب " رفیق احمدزاده و اعلام غلبه مسی جزئی بر سازمان چریکی فدایی خلق را در برداشت . رفقای فدایی که تحت تاثیر موج بورژوا لبرالیستی

بحران انقلابی و مشی چریکی

قرار گرفته و مانند رویزیونیستی‌های حزب توده‌ای مبارزه خلق را " ضد دیکتاتوری " می خواندند ، (و از اینرو در مقام مقایسه با رفیق احمدزاده که مبارزه اسن مرحله را ضد امیرالیستی می دانست در واقع قدمی بزرگ به عقب در جهت انحراف از مارکس لنینسیم بر داشتند) برای اسنکه در عین حال " هونت میانی " خود را حفظ کنند و در عین اینکه تانه‌ها شان به شانسه رویزیونیستی‌ها شده میتوداز افتادن بگام رویزیونیسم نسیم نجات یابند ، در مقابل شعار رویزیونیستی - حبیبه واحد ضد دیکتاتوری " حزب توده ، شعار " نبرد با دیکتاتوری " خود را اعلام کردند . رفقا در " مل مبارزه ملحانه خود دست به اصلاح زده و آنرا به اصطلاح " توده‌ای " کردند (طرح " هسته‌های سیاسی - صنفی ") ولی محتوی آنرا بکلی از ماهیت ضد امیرالیستی خالی کرده و همدوس بورژوا لبرالی - که مبارزه با دیکتاتوری فردی شاه برداختند . " نظریات " نبرد با دیکتاتوری " تلبور گرایش به راست و رویزیونیستی رفقای فدایی بود ، شاری که می باست در عین حال هونت " مستقل " آنها را نیز حفظ کند .

سال ۵۶ و نسبه ۵۷ نیز سیری شد و رفقای فدایی همچنان بر مواضع دگم خویش پای می‌فشرده و بهیچ عنوان حاضر نبودند که به نادرستی اس می و به عقب ماندهگی خود از توده‌ها اعتراف کنند . آنها حتی در جزوه " جنبش خلق و اسورتونستی‌های ما " در خرداد ۵۷

یکسال زندان برای پخش اعلامیه

سیدحسن قاهری نژاد جوان ۱۹ ساله‌ای است که اکنون در زندان خرمشهر دوران محکومیت یکساله‌اش را می‌گذراند . اتهام وی که بعد از یک " دادگاه " ۱۰ دقیقه‌ای به " نبوت " رسیده پخش اعلامیه بوده است ! اعلامیه‌ای که افتاکر توطئه و جنایت علیه خلق عرب در خوزستان و به ویژه خرمشهر بوده است . محریان عدل اسلامی با تائید حاکم شرع کارگر ۱۹ ساله‌ای را که سر علیه ظلم و بیدادگری برخاسته و افشاگری میکند به زندان محکوم میکنند و در همان حال ساوکی ها و جلادانی را که درستان بخون خلقهای ستم‌دیده آغشته است آزاد می‌گذارند . سیدحسن که اینک در زندان خرمشهر بسر می‌برد کلاس پنجم دبیرستان درس خوانده است . او پس از سرک تحصیل به کارخانه مایون بزی پارس رفته و در آنجا مشغول کار می‌شود . رنج و درد طبقه کارگر را که استک خود نیز جزئی از آن شده بود با کار در کارخانه بیشتر درک می‌کند . او در تحصن ها و اعتراضهای خلق عرب فعلا نه شرکت می‌کرد و بیکبار در هنگام تحصن درکانون خلق عرب دستگیر و بمدت چند روز به زندان ذرفول برده مسود ولی حدود یک هفته بعد (حوالی ۱۵ خرداد) به هنگام پخش اعلامیه دستگیر می‌شود و پس از گذراندن بش از ۵۰ روز دوره بازجوئی محکوم به کمال زندان شده و به خرمشهر فرستاده می‌شود . او اکنون باقلسی سرشار از کینه نسبت به نیروهای استشاری ، عشقی بی پایان نسبت به زحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر و امید به بلندی و سرفرازی کوه دماوند نسبت به آنسده ،

در بحران انقلابی اخیر ، نیروهای مختلف سیاسی دچار قطب بندی شده و به سرعت و بطور اجتنابنا سذبیر راه خود را به سوی طبقه‌ای که به آن مربوطند ، نمایان می‌سازند " (لنین - ما جراحی انقلابی می‌سازد) تحول انقلابی - بسکوست هست که دیگر اجازه نمی‌دهد روشنگران بورژوازی که در اثر عدم رشد تظاهراتی درون جامعه و استفاده از لقب افتخاری " تبعید در خارجه " بسر مارکسیسم " لم " داده و به لایوئانی منافع واقعی طقانی خویش مشغول بودند ، بیش از این چهره مسودرا بیوشانند و آنها را مجبور می‌سازد که علیرغم بیلشان و احساس خجالتان ، نقاب از چهره خود برداشته و علما بسوی طبقه‌ای که حامی منافع آنهاست راه بگشایند . نمونه جالب و مضحکابین امر " پوست انداختن " یک گروه به چپانی می‌شود ، که علیرغم آنکه محط امن خارجه فرصتی بدستش داده بود تا " مبان دوسندلی " بنشیند ، از به اصطلاح تحلیل انقلابی " تئوری سه چپان " دفاع کند و از برداشت رویزیونیستی آن که توسط برادریزگش در عمل پیساده میشد ، تحت عنوان " ایورتونسیم راست " خرده گیرد ، ماهت خودرا نشان داده و با دادن یک " لست انقلابی " با همسبب " ایورتونستی‌های راست " برای مجلس خیرگان ، و با انگیزه مشارکت در این مجلس برای حل و فصل متکلات " حکومت ملی " و نقسوت آن ، در عرض مدتی کمتر از دو ماه نقاب خود را علما دریده و بصورت مدافع مسود انقلابیون ، بورژوازی بقدرت رسیده و خرده بسورژوازی دنباله روی آن ، درآند .

اما در کنار این روشنگران بورژوا که نقاب مارکسیستی شان دریده شده یا دریده میشود ، نیروهای سیاسی دیگری را می‌بینیم - گرایشاتی که سنتی سنتی عقاید لایه‌های میانی و نامعین روشنگران را نمایان میسازند " (لنین - همان جا) - که علیرغم تمام فشارهایی که بحران دوساله‌ی اخیر ، بر آنها وارد ساخته می‌کوشند با " جنگ انداختن به تکه باره‌هایی از هرنوع تئوری (همانجا - ص ۴) موضع میانی خویش را حفظ کرده و از منافع اقتضای تفسیری که بدان متعلقند دفاع نمایند ، مجاهدین خلق ، نماینده مذهبی جنبش گرایش - و چریکی فدایی خلق نماینده مارکسیستی آن است .

مشی چریکی از آغاز دچار تظاهرات و تناقضات لاینحلی بود که جز با " نقد انقلابی " و " رد " قاطع آن نمیشد از حل این تناقضات برآمد . اما سازمان چریکی - های فدایی خلق در این رابطه چه کرد ؟

رفیق احمدزاده از قول رژی دسره می‌گفت : " نیروی چریکی نظف حزب است ، چریک خود حزب است " (مبارزه مسلحانه - هم استراتژی و هم تاکتیک ") هنگامیکه می چریکی در سالهای خونبار ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ محک خونبار و محکوم به شکست درستی یا نادرستی این تئوری را در " تبلیغ مسلحانه " ضد امیرالیستی " در میان هر قشر و طبقه " آزمو ، و تنها توانست به جلب بخشی از روشنگران ناثل آید ، بجای آنکه " پیشگامان مبارزه مسلحانه پیشتاز " به نقد انقلابی از ابسنت تئوری نشسته و بدین وسیله با سگویی تظاهراتی حاد شده ، سازمان خود گردند ، سرعکس دست به ترمیم (رفرمیستی) آن زده و با خصلت " حمایت گرانه " بخشیدن به عملیات مسلحانه خود در رابطه با طبقه کارگر کوشیدند تا از زیر فشار جا خالی کنند : " با اعدام فاتح ، سازمان ما عملا حرکت خود را در جهت حمایت از جنبش کارگری اعلام نمود . " (اعلامیه توضیحی اعدام فاتح - سبغا) بدین سان " نقد " رفرمیستی می جریکی پایه گرفت و در نوشته‌های رفیق جزئی تلبور خود را سافت . تئوری بسج توده‌ها جز از راه سلاج ممکن نیست " (احمدزاده) ترمیم شد و با تئوری " هسته‌های سیاسی - صنفی " (جزئی) آدین گشت . از به اصطلاح ایورتونسیم چپ که مسان " تدارک انقلاب " و خود " انقلاب " فرقی نمی‌گذارد " انتقاد " شد و گفته شد که : " مبارزه مسلحانه ترکیبی است از اسکال مسالمت آمیز و نظمی مبارزه که تشکیل نظمی نقش محوری و عمده را در آن بعهده دارد " (" نبرد با دیکتاتوری " ص ۷۶) ، و از اسنرو باید به اشکال دیگر مبارزه نیز توجه شود .

سالهای خونین ۵۲ ، ۵۳ و ۵۵ ناردیگر شکست تئوریهی چریکی را در عمل نشان داد ، اما سال ۵۵ که بسال " مرگ استراتژیک " می جریکی معروف شده ، سال تولد جنبش روبه اعتلای توده‌ای و همزاد آن " مسوج سورژوا لبرالی " بود . بورژوا لبرالی که برخاست جنبش توده‌ای را جن کرده بودند از خواب بیدار شده و بسرعت در صدد چاره‌جویی برآمدند تا بهر نحو شده نظام موجود را از سقوط نجات دهند . این موج ، گندنا سبسی

فروشی به مبارزه برخیزد و در غیر این صورت اخلاگران مفسد فی الارض شناخته میشوند. وی ضمناً از بازاریها خواست که گرانفروشی نکنند. مدتی سرانجام سخنرانی خود را با شعار "مرگ بر دشمنان، مرگ بر کمونیست" بیان رساند! پیرمرد ۶۰ ساله‌ای که از سخنان آیت‌الله مدنی راضی نشده بود، گفت: "مرگ بر کمونیست دردی را دوا نمی‌کند. تا بد پیدا نمی‌شود، هجسی پیدا نمی‌شود... که با اعتراض شدید یکی از بازار - بان روبرو شد.

ساعت ۱۵ صبح روز شنبه، تظاهر کنندگان که اسنک تعدادشان به ۱۵۰ نفر می‌رسد با شعار "گرانفروشان اعدام باید گردند" عازم استانداری میشوند. مردم استاندار را تهدید می‌کنند که اگر قیمت میوه پایین نیاید، میدان شهید را آتش خواهند زد. آنها سپس دو کامیون هندوانه ضبط شده را بقیعت کیلویی ۵ ریال در معرض فروش می‌گذارند. در عین حال تظاهرات در گوشه و کنار شهر در دسته‌های ۲۰۰ نفری ادامه پیدا می‌کند.

تظاهر کنندگان که اکثراً از زحمتکشان بودند با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌دار نابود است" همچنان تا نیمه‌های شب ادامه می‌یابد.

صبح روز یکشنبه تظاهر کنندگان در میدان تره بار جمع شده و با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌داران - بود است" به انبار روغن نباتی حمله می‌کنند و در خیابان دارائی برآه می‌افتند. در آن مسلمان گروهی در حدود ۲۰۰ نفر در مقابل نظر کنندگان بسه طرفداری از بازاریها با شعار "اسلام روز است، کمونیست نابود است" ظاهر میشوند. دسته دیگری که از ماورین کمینته شماره ۲ نیز در میان آنها دیده می‌شدند سعی می‌کنند با شعار "گفته امام خمینی تظاهرات حرام است" شعار تظاهر کنندگان را عوض نما - یند. در آن میان یکی از تظاهر کنندگان لباس سبک روحانی را که به آنها "وحشی" خطاب کرده بود، گرفته و با خشم میگفت: "من وحشی نیستم، علیه کراسی مبارزه می‌کنم. مادرم بعلبنداس عداوی کامی مریسی شده و اکنون در سمارشان سسری است."

زحمتکشان سرمایه‌داران رو در روی هم

تظاهرات به موضوع بحث جمع‌های ده سیس‌فیری تبدیل شده بود که در گوشه و کنار حیواناتها گردآمده بودند. اکثریت ماوافقس اعمال تظاهر کنندگان بود که بیشتر از کارگران، بانکاران، دانش‌آموزان و... تشکیل می‌شد. لکن بازاریان و راستگان کمینته معتقد بودند که این کارها نوطه است و در جهت ضد انقلاب! مردم با قاطعیت جواسنان را می‌دادند و گوسان‌دهکار حرف‌آنها که می‌گفتند "اگر نخوری چه میشه؟" نمود. جمعیت زیادتر میتند سعی‌ها امشاکری می‌کردند. از سبک‌باری، گرانی و دولت‌صحت‌ممتد عده‌ای علی‌سب گرانی را توضیح میدادند و سرمایه‌داران را افشاء می - کردند با فکر غارت‌که در بعضی از زحمتکشان وجود داشت و با حمله به خرده‌فروشان و چرخ داران مخالفت می - کردند و می‌گفتند که باید انبارهای محتکرین ضبط و بوسیله خود مردم با قسمت‌ارزان فروخته شوند.

درجائی یکی از کارگران فریاد می‌زد وقتی کنار می‌خواهیم دشمنان را می‌گیرند می‌برند کمینته و بعد از کتک می‌گویند انهم کاری که میخواستی! یکی از سرمایه‌داران می‌گفت مردم، به ضد انقلابیون و کمونیستها فرصت ندهند آنها را که می‌منازه دارند برونه منازها بیان را باز کنند وگرنه به اسلام خیانت کرده‌اند. که یکی از کارگران فریاد زد آنها را که منازها ندارند نباید از گرسنگی بمیرند؟ که چند نفری جمع شده میخواستند بهر ترسیمی شده او را دور کنند آنها می‌گفتند نا حلالا هرکس کار مکردی بزو همانجا (!) یک نفر گفت: آقا کمونیست هستند که کارگر حوانی باخ داد! خوب جامعه را تقسیم کرده‌اید. آری گرسنه‌ها همه‌شان کمونیست هستند. عده‌ای از کارگران بهمدای بلند می‌گفتند باید این سرمایه‌دارها را نابود کنیم.

کمیته‌ها در خدمت چه کسانی هستند؟

در همین حسن کمیته‌چی‌های مسلح سررسندند، دنسور می‌دادند که مردم منفرد شوند. یکی از مردم گفت با این گرانی نمی‌شود زندگی کرد. او را گرفتند و موقتی که میخواستند از مان جمعیت بیرون بکشند پسر جوانی اعتراض کرد او را هم گرفته سوار ماشین کردند به‌همراه دونفر دیگر بردند بعد از مدتی دونفر دیگر

را نیز دستگیر کردند. عده‌ای گفتند نباید گذاشت آنها را. بپزند باید جلوشان را گرفت. با رسوم که کمیته‌چی‌ها یک نفر دیگر را گرفتند اعتراض مردم بلند شد و جلو ماشین را گرفتند و بالاخره او را آزاد کردند سپس مردم با شعار "اسلام پیروز است، سرمایه‌داران - بود است" به طرف کمیته شماره ۶ حرکت کردند. در مقابل کمیته با شعار "با مرگ آزادی" خواستار آزادی دستگیر شدگان شدند. حدود ۵ دقیقه نگذشته بود که یک نفر را آزاد کردند. او گفت مرا زده‌اند که فریادمیگردد کمینته، و بیژ کمیته ابسته میروخ والسلام (ما کمینته نمی‌خواهیم والسلام)، همه حارا گرفت. جمعیت خشمگین و با شعار مرگ بر کمینته بدرون کمیته سرازیر شدند. هنگامیکه زندانیان را آزاد می‌کردند، یکی از زندانیان آزاد شده جای باطوم را روی بدنش نشان داد. جمعیت در مقابل افراد مسلح کمیته، اتاقهای کمیته را با زرسی کردند که کسی نماند. وقتی مردم از محل کمیته بیرون می‌آمدند عده‌ای با شعار "مرگ بر کمونیست" وارد کمیته شدند. و ماوران کمیته نیز دل و جرات پیدا کرده با مردم دست‌به‌نقه شدند و در حالیکه زحمتکشان را باالا می‌بردند سوارهای ضد کمونیستی را با فالانژها تکرار می‌کردند. آنها یک سر را گرفتند و سکی دیگر را شدداً کتک زدند و یکی از ماورین شروع به تیراندازی هواشی کرد. فالانژها شایع کردند که کمونیستها می‌خواستند اسلحه‌ها را مصادره کنند!

در حدود ساعت ۱۲ یکی از دستگیرشدگان را که بر اثر کتک زخمی شده و سروسورتش ورم کرده بود روی دست بلند کرده طرف چهارراه متدین حرکت کردند. جمعیت شعاری می‌دادند "استند سخاوت کمیته" یا "کمیته حامی سرمایه‌دار". تعداد تظاهر کنندگان در حدود ۲۵۰ نفر می‌رسد. گروه دیگری که تعدادشان در حدود ۲۵ تا ۵۰ نفر بود با شعار "اسلام پیروز است، کمونیسم - ناسود است" با فاصله از همدیگر حرکت می‌کردند. فالانژها سعی می‌کردند شعار "مرگ بر سرمایه‌دار" را به "مرگ بر کمونیست" برگردانند. اگر کسی به تظاهر کنندگان می‌گفت شما ضد انقلابید آنها کف‌دست خود را نشان داده می‌گفتند کارگریم. با بیژ استروخ آزاد اولاخ، سرمایه‌دار نابود اولا (ما می - خواهیم آزاد نویم، سرمایه‌دار نابود شود) تظاهر - کنند. بعد از مدتی راهبیمائی در میدان دانش‌سرا برانگته شدند.

زحمتکشان فاصله طبقاتی را به‌رخ می‌کشند.

بعد از ظهر دسته دیگری در خیابانهای شهر حرکت درآمده و طرف کوی ولی عصر حرکت کردند. کوی ولی عصر از محله‌های اعیان نشین شهر است. تظاهرات با شرکت عده زیاد و نظم خاصی تا نیمه‌های شب ادامه داشت. شعارها کاملاً ضد سرمایه‌داری بود: قال ورمشوخ آزاد اولاخ سرمایه‌داران - بود اولا (حون داده‌ام آزاد شوم سرمایه‌دار نابود شود) اسلام پیروز است سرمایه‌دار نابود است امروز اخطار مرده‌اش سوت سرمایه‌دار جسممزد گمروخ دوسبا گروبریان اولا رنسه سرمایه‌دارانم گرک وبران اولا (ار حمان سعی گذرم حتی اگر دسنا وبران بود رنسه سرمایه‌دارانم ازدم باید وبران شود) سرمایه‌دار مردور اعدام ساند گردد کاح سس نابود است مستصم پیروز است مسمصع فالسب سرمایه‌دار اولسون (مسمصع ساند سرمایه‌دار سمرد)

تظاهرات خشم آگین توده‌های زحمتکش در تبریز بر ضد گرانی و سوبزه‌برعلیه سرمایه‌داری نشان می‌داد که خواست توده‌ها تا چه حد از تمايلات هیئت حاکمه فاصله دارد. آنها با این اقدامات انقلابی ارزانی را بشهر ارمغان آوردند. زحمتکشان امیال شاید برای اولین بار میزه هندوانه و میوه را حبسند. عناصر آگاه با افتخار گریهای خود و کار آگاه هگران به‌درستی کوشیدند علت گرانی را در جریان حرکت توده‌ها روشن سازند و همچنان ایده غارت را به مصادره و فروش مستقیم تبدیل نما یند. در مقابل، عوامل دولت، سرمایه‌داران و حامیان آنها و مرتجعین سعی کردند با تفرقه‌اندازی بین مردم با شعارهای ضد بقیه در صفحه ۹

شرعی اهمیتی بیش از فتوا دارد و بذیرفتن آن برهگان واجبات (و با آبت‌الله طالقانی که همواره نیروهای ضد امپریالیست همدا بود.

در چنین شرایطی کودتا بوقوع می‌پیوندد و...

کودتای ۲۸ مرداد در نتیجه توطئه مشترک آمریکا و انگلیس و دربار، در شرایطی که جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران از ضعفای اساسی رنج می‌برد، موفق شد که جنبش خلق را سرکوب کند. در این مقاله فرصت آوردن همه جریان‌ها به تفصیل نیست چرا که خود کتابهای متعددی در سر میگیرد و تحلیل آنها کاری است که در بسیاری جهات هنوز به انجام نرسده است. اما آنچه در این مختصر میتوان بدان اشاره کرد درسهایی گرانبیهی است که از آن فاجعه دردناک می - توان گرفت.

هم اکنون جنبش ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ما، پس از واژگون کردن رژیم سلطنتی، و وارد آوردن ضربات سخت بر پیکر امپریالیسم، با شرایطی روبروست که اگر با هشیاری کامل با آن برخورد نکنیم، امکانها و آمادگیهای لازم برای مقابله با توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی را هرچه سریعتر و قاطعتر فراهم نکنیم امکان دارد (و این امکان بسیار زیاده است) که دستاوردهای مبارزات توده‌های سالهای اخیر از کف برود. الان همچون گذشته، امپریالیسم و ارتجاع وابسته بدان زخم خورده و در مدتهاست که محسداً شرایط را به نفع خود به عقب‌برگرداندند. هم اکنون قدرت در دست طبقه کارگر و هم پیمانان او بلکه در دست بورژوازی و همدستان اوست که بر اساس سیاست سازشکارانه خود در مقابل طبقه کارگر دیگر زحمت - کشان قرار می‌گیرد و روز به روز بیوندهای ست‌شده با امپریالیسم را مستحکمتر میکند. نمونه‌های فراوانی را در ارتش و بوسه در روابط اقتصادی شاهدیم که هیئت حاکمه چقدر می‌کوشد با لطایف‌الحسل و سیاست توجیهات گوناگون و رفتارها کشور ما را که در نتیجه مبارزه توده‌ها می‌رفت‌ات از سند وابستگی رها شود، به اشکال دیگری وابسته سازد. تزلزل و عدم قاطعیت بورژوازی حاکم در سرکوب نیروهای ضد انقلاب و عساکر وابسته با رژیم گذشته و بالعکس گرایش‌ها هرچه شدیدتر هیئت حاکم برای اعمال هرچه بی‌بروتر سیاستهای ضد انقلابی علیه زحمتکشان و خواستهای آنان و میسارزه سرخستانه با نیروهای مترقی و به ویژه مارکسیستها با استفاده از جلال و ناآگاهی عامه که خود زاده‌سالیان دراز حاکمیت ضد انقلاب و دیکتاتوری بورژوازی وابسته است و با دادن زدن به توهنات ضد کمونیستی و... نشانه‌های خطرناکی است که انقلاب را در معرض شکست قرار می‌دهد. باید چنین گرایشها را - که بصورت سیاست روزانه رژیم درآمده - برای توده‌ها افشا کرد، باید سیاست ماساها تدر برابر امپریالیسم و ارتجاع و بقابای رژیم گذشته را افشاء نمود و حقیقت را به توده‌ها نشان داد. باید سیاست انحصارطلبانه و آزادی - کشی و برای انداختن اختناق را هرچه بیشتر افشاء و طرد کرد. باید نسبت به توطئه‌های امپریالیسم که این بار مسلماً با چهره‌های دیگر و شیوه‌های دیگر به میدان آمده‌است هشیارانه برخورد کرد و آمادگی دفاع از دست - آوردهای انقلاب را در اشکال و شیوه‌های گوناگون داشت باید توجه داشت که دشمن این بار بیشتر در قالب درست عمل می‌کند و از این طریق می‌کوشد حال که در نتیجه مبارزات خلق از در بیرون شده است از پیچیده داخل شود. باید گرایش‌های دنباله‌روانه و اپورتونیستی درون جنبش را قاطعانه افشاء کرد و مجال آن را نداد که اپورتونیسم بار دیگر بتواند توده‌ها را فریب داده دنبال خود بکشد. باید با سازماندهی طبقه کارگر و ایجاد حزب پیستاز آن که بدون آن در شرایط حاضر پیروزی انقلاب دموکراتیک امکان پذیر نیست و با

برخورد با دقایق باضعفائی که جنبش کمونیستی بدان مبتلاست تشکلات و سازمانی واحد پدید آورد که بتواند در اشکال مختلف تاب مقابله با تهاجم وحشیانه و چند جانبه ارتجاع و امپریالیسم را داشته باشد. تهاجمی که هم اکنون نیز با ایجاد تفرقه در صفوف خلق، با منحرف کردن اذهان عمومی از دشمن اصلی که همان امپریالیسم آمریکاست با ترور عقیده و بنان با حمله به دفا تر انقلابیون و ضرب و شتم آنها و ترور آنها و... در جریان است. آری، درسهایی تحریه ۲۸ مرداد را باید آموخت هرچه عمیق تر فهمید و تحلیل کرد و در بین توده‌ها و نیروهای خلق تبلیغ نمود که گفته‌اند "عاقل از یک

چگونه...

ادامه از صفحه اول

فاه قاه به ریش توده‌های ما می‌خندند و یا سر مسند ریاست امور مهم مملکتی تکیه زده‌اند، دادگاه‌های انقلاب با آب و تاب به محاکمه و اعدام اشرف‌جهاد، شربا ترک، فاطی کلفته و... زنان بدکاره‌ای که در نهایت قریب‌باشان نظام فاسد سرمایه‌داری هستند، مسئولند. اما بورژوازی تا رسیدن به این مرحله که پوسته خود را شکافند و آشکارا و بی‌برده به انقلاب‌یورش برده، یک مرحله تمام و کمال از اعمال نفوذها، توطئه‌ها، تهدیدها و چوب‌لای جرخ دادگاه‌های انقلاب گذارند تا با پشت سر گذارنده است و این همه انتحام گرفته تا دامنه تلفات که سراسر انقلابی بعد از قیام ناگزیرش ساخته بود، به حداقل ممکن رسانده شود. و امروز با زیربان، ما موران تحقیق و قضاوت سابق دادگاه‌های انقلاب که بنا به تشخیص بورژوازی فاقد صلاحیت و مافد بینش‌انقلابی و لایب اسلامی بوده‌اند و همین جهت محترمانه قدرتان خواسته شده است، پرده‌از روی اسن تلاش‌های خستگی ناپذیر دوران دگرپرسی بورژوازی برمی‌دارند.

آنان در مصاحبه مطبوعاتی خود سجاعانه چنین می‌گویند: "اعمال نمود دو صوب بود. یکی از طریق نوصه‌ها و دیگری دحالت مسعیم در صدور حکم دادگاهی که درباره نوصه سعی از رسای کمیته‌ها و سعی از مهندس معروف و مقامات دولتی اداره، رسدان و بالاحره شخص‌های معروف که تمام اس نوصه‌ها دربروده‌ها موجود است. یکی از امراد عبر مشول در رسدان و دادرسا درباره احکام اعدام صادره نوصه‌ها داست و حتی صدور حکم دادگاه سرب‌باطمی را که گفته سه تاجر ابداع... در محاکمه اول هویدا سم ساعت نفس اعلام سد ولی اس نیم ساعت ماه و سم طول کشد و علت تاجر سکمل دادگاهها اعمال نمود گروه مسار بود... بناسه سوای انقلاب (نا اعدام ها) مواسق بود و همه در این رابطه برای جلوگیری از کتار دادگاهها طرح‌های ارائه دادند" که حامل این غلابت و کتار انداختن مفزهای برهوش (!) این بود که "بک روز عمر در حالیکه مسول کار بودیم، اعلامه‌هایی نه دسوار صکرده و صن سکر از رحمت ما حواسه بودند که برنده‌ها را تحویل دهند (با اعدام ۱۶۰۰ مرداد) بدون شک بورژوازی در ادامه سیر منطقی خویش در آینده نه چندان دور حتی این دادگاه‌های مبنای تھی را نیز تحمل نخواهد کرد. چرا که او تنفر آشکار خود را از هرچه نشانی از انقلاب و حقانیت توده‌ها دارد، مدنهایب که اعلام نموده است.

آری، بورژوازی در طول دوران بعد از قیام تمام هم و غم خود را بر این نهاده است که کاخ تکر برداشته سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را ترمیم کند و راه را هرچه زودتر برای جریان دوباره غسارت گریهای مورد نظر امپریالیسم آمریکا باز کند. او در این راه با سرعت و پشتکاری عجیب و سرعت طوفان هرچه که انقلابیست می‌رود و از بسن می‌برد با اس پشتکاری که بسیاری از توده‌ها در مورد وی دچار توهم هستند. اما اگر بسیاری از توده‌ها در لحظه حاضر و با توجه به سطح آگاهی سیاسی شان، قادر به درک عمق فاجعه نبوده، و آشنا باور نمی‌کنند، اما جریان زندگی توده‌ها را بیدار خواهد ساخت. گذار بورژوازی دست در دست سرب‌رگان امپریالیسم و پاساران سینه چاک او، با یکویی کند و کانون خانواده امپریالیسم راسا خوش رقصی‌های خود گرم تر نماید.

هچس بهتر از خود بورژوازی ماهیت واقعی او را در پیشگاه توده‌ها افشاء نخواهد کرد.

حتی یکی از کتابفروشیها در فاصله صد متری کلانتری قرار دارد. دیگر کتابفروشیهای مترقی در این شهر نیز تهدید شده‌اند و تا به حال از طرف مقامات مسئول هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از این حرکات ضد آزادی صورت نگرفته است.

باید به این مرتجعین و پیروان ناآگاه آنها یادآوری کرد که جریان تاریخ تا بحال ثابت کرده است که با انجام این حرکات فاشیستی و ضد مردمی به‌هیچوجه نمی‌توان جلوی نشر عقاید آزادی خواهانه و مترقیانه را در میان مردم گرفت. اگر رژیم شاه جلاد با تمام خونخواری و ددمنشی خود توانست جلوی افکار مترقی را بگیرد، این مرتجعین کودن نیز در رسیدن به هدفتشان که همانا نگهداشتن توده‌ها در جهل و بی‌خبری است، موفق خواهند شد.

بانگ (الله اکبر" که آنرا براحتی با کتف تریس کلمات تکرار می‌کردند به سمت دفتر دانشجویان می‌نگام حرکت کردند. برافروخته و خسته از هجانات عصبی، سران را زیر شیر آب گرفته و بدون واهمه از زورخوااری عام، آب می‌نوشیدند! در اس فاصله دانشجویان با پیشگام و مردم حاضر در آنجا متشکل شده و مصمم بودند که اجازه تهاجم ندهند. پاسداران نیز با متشنج‌های خود سر رسیدند. معلوم نبود میخواهند از چه چیز پاسداری کنند؟ شاید از گروه مهاجم، در قبال مردمی که سخت‌خشمگین شده بودند! و چه تلخ بود، دیدن پاسداران که کف دفترا را می‌گشتند. بدینا ل چه بودند؟ کیفیاتی که پناهگاه چند عدد نشریه‌ای بود که از حمله مهاجمان در امان مانده بود. مهاجمین بی‌مرومندانانه راه را برای پاسداران می‌گشودند. یکی از آنها چند نفر را در اطراف خویش جمع کرده بود تکی برایشان بگوید که چطور خود دانشجویان اسن کارها را کرده‌اند! تا آن را بگردن (اسلامی‌ها!) باندازند! اینجا و آنجا بحث‌براه افتاده بود و چه دروغ‌های شاخداری که مهاجمین نمی‌گفتند. خبر رسید که ستاد "جیک‌پای فدائی خلق" را هم (تصرف!) کرده‌اند. و چه بی‌مرومندانانه! حقایق بدست‌ها ستاز بی‌مروزی در خوابان بالا و با شس می‌رفتند و رو سوی حاکمیتی نگران بود و از درگیری احتراز می‌نمود، نفس‌کشی می‌طلبیدند، و هر از گاهی با شعارهای "حزب فقط حزب الله" و "مرگ بر کمونیست" سمت جمعیتی که جلوی دفتر دانشجویان پیشگام را سد کرده بودند هجوم می‌بردند. دخترها را به وقحانه‌ترین شکل می‌آزردند و در مرحله عدای کتک می‌خوردند. سی حرمی تر همه جا مملط شده بود. فضا از توهن برانسان، و رشار بود. اینسو و آنسو، نشریات تبارده شده بر زمین ریخته بود. تصویر دست‌های بهم گره خورده، ستاره سرخ، و مشت کارگر که بهم پیچیده است. و فردا، آری فردا، برافراشته خواهد شد.

سر دستة جنایتکاران گارد دانشگاه را آزاد کردند!

ستان بستری بودند و در همین رابطه عده‌ای از دانشجویان را از کوی اخراج کردند. سوهنگ غفاری مزدور درهمین موقع ریاست گارد را به عهده داشت و هم اکنون هیئت حاکمه او را به اسن علت که "مدرکی" نداشته به آزاد نموده است. علت اسن "سی مدرکی" رژیم، اسن است که جناب سوهنگ! از طریق رشوه دادن، یک گواهی بزرگ تهیه کرده است. اسن گواهی که برای مقامات به اصطلاح مشول سند برآشت آفای سوهنگ شده است حاکی از اسنست که رئیس گارد دانشگاه در آن موقع در بیمارستان بستری بوده است!

سند جالبی است. دهها نفر دانشجوی زخمی شده که حاضر به شهادت دادن درباره اسن سوهنگ مزدور هستند حرفشان حجت نیست، اما گواهی بزرگ و مهمتر از آن حرف جناب سوهنگ بقدری قابل اعتماد است که مقامات به اصطلاح مشول ملاح نمی‌دانند که اسن فرد "راستگو" و "نیکوکار" را محکوم نمایند. واقعا هر روز کمی - گذرد توده‌های مردم بیشتر از بسن به ماهب اسن کسانی که سنگ زحمتشان، کارگر و برزگرو "مستغفن" را به سینه می‌زنند، پی می‌برند. و اسن طرفساران خلق مستغف قدر خوب دست‌خودشان را رو می‌کنند!

وقتی کتاب‌ها را می‌سوزانند، انسان‌ها را هم بزودی خواهند سوزاند

نصب می‌کنند و اهالی را تهدید می‌کنند که نباید اسن مقواها را پائین بیاورید. جالب توجه است که با وجود تهدید و ارطاب مردم از طرف کمیته، صاحب کتابفروشی مقوای مزبور را پائین می‌کشد و زیر آن چنین می‌نویسد: "وقتی کتاب‌ها را می‌سوزانند، انسانها را هم بسزودی خواهند سوزاند."

"کتابسوزان" و "کمال سوزان" بر کلیه مرتجعین و عناصر ضد انقلاب مبارک باد. قهرمان شهر (گرمانشاه سابق) در هفته گذشته در قهرمان شهر پنج کتابفروشی به نامهای "صد"، "نیم"، "ارس"، "پژواک" و "بیس‌تون" در نیمه شب به آتش کشیده شدند. جالب اینجاست که حرکت در شهر در شب بدون بازرسی کمیته‌ها امکان پذیر نیست.

ربخته بودند و با آزار دادن او سعی داشتند نشریات را بس بگیرند. با شکر در چشم می‌گفت: اینها را نمی‌دهم شما نمی‌فهمید چه می‌کنید... و مهاجمین که با بافشاری او روبرو شدند. با چند حش رکبک، رها بش کردند. حرکاتشان سخت‌زننده بود. اسن سبچارها، که چهره‌شان و حرکاتشان حکایت از محیط‌های عقب مانده و فقر زده‌ای می‌کرد که در آن رشد یافته بودند، زنده‌ترین جسم کثافت‌جامعه سرمایه‌داری بودند. تمامی ابعاد لمپنیزم جسم مادی یافته بود. و چه رنجی داشت خانای آن. و دردناک تر از آن دیدن برخی کسان بود که یا تمانای اسن مناظر تفریح می‌کردند. انگار اسن مناظر غیر انسانی، احصاسات بیماگونگه - شان را که خود زائیده فرهنگ منحطی است که امپریا - لیستیای کثیف و غارتگر، سالهاست بر جامعه ما تمسمل کرده‌اند، تحریک می‌کرد.

و جمعیت بهت زده، بسخی کرده، به باران نشریاتی که برسران می‌بارید و در هوا چند تکه میشد می‌نگریستند. و عکس‌العمل نشان نمیدادند. احصاس می‌کردند، و می‌دانستند که درگیری به طاح نیست و نازه درست‌ک فکر می‌کردی ختم، نه بسوی آنان که اسن چنین بی‌خبرانه و وقیحانه، ناآگاهی و انحطاط را منعکس می‌نمودند، بلکه بسوی ارتجاعی زبانه می‌کشید که اسن را آلت دست خویش ماخته است. ارتجاع عقب‌نگری که دست در دست امپریالیسم بر علیه انقلاب توطئه می‌کند. و از اسن بدبختان تیوره روز یاری می‌گیرد. و اسن بیچارگان بر نشریات تبارده شده که بر زمین جنون فرشی گسترده بود، رقصان بودند - هیستریک وار به آنچه که سالم مانده بود هجوم می‌بردند... تا به ندای رهبران اسن که برخی چهره‌شان را با پارچه پوسانیده بودند، باز متشکل شدند، و با

سرهنگ بروی غفاری رئیس گارد دانشگاه تهران که بعد از قیام توسط ما موران کمیته دستگیر شده بود چند روز پیش بملت اینک مدارک کافی برای متهم کردن وی وجود ندارد آزاد شد!

بکی او واقعی که در دوره ریاست جناب غفاری اتفاق افتاده است و آنقدر گواست که احتیاج به دلیل و مدرک و سند... ندارد. واقعه حمله گارد بهای مزدور به خوابگاه دختران است. در خرداد ماه سال گذشته، رژیم شاه بخاطر جلوگیری از سربائی تظاهرات و اعتصاب بنمنا سبت ۱۵ خرداد توسط دانشجویان دست به توطئه‌ای زده و در صدد بود که دانشگاه و خوابگاه را ببندد. و در همین رابطه به خوابگاه دختران حمله برده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده بسود دانشجویان بخاطر اعتراض به اسن مسئله از دکتر گلرخ شرقی رئیس خوابگاه و رئیس سابق دانشکده بزرگسختی دعوت نمودند که در جلسه دانشجویان حاضر نشد و اعتراض به اسن موضوع باعث شد که دانشجویان دست به تظاهرات و اعتصاب بزنند، اما اسن اعتراضات منجر به حمله و هجوم گاردیهای وحشی به خوابگاه دانشجویان شده و به زخمی شدن عده‌ای دانشجو منتهی گشت که مدتی در بیمار -

بار دیگر دست مرتجعین از آستین بیرون آمد و در گوشه دیگری از اسن مرز و بوم نقش انحصار طلبانه و ضد مردمی خود را به نمایش گذاشت.

در ساعت ۱۱ شب پنجشنبه ۵۸/۵/۱۱ کتابفروشی "راه کارگر" واقع در فلقه ۱۷ شهریور در شوشتر توسط عمال مرتجعین به آتش کشیده می‌شود. در همین هنگام یکی از اهالی محل پس از مشاهده آتش جریان را به آتش نشانی خبر می‌دهد و آنها آتش را خاموش میکنند. روز بعد صاحب کتابفروشی در مغازه را بازمی‌گذارد تا آثار آن آتش سوزی شوم را در معرض دید مردم قرار دهد. پس از اجتماع مردم در آنجا، هر کدام بنوعی اسن عمل وحشیانه و انحصار طلبانه را شددید محکوم می‌کنند و انزجار خود را نسبت به مجریان اسن طرح فاشیستی ابراز می‌دارند. در اسن میان بعضی از افراد کمیته بر روی مقوای جریان آتش زدن کتابفروشی را می‌نویسند و آن را به نیروهای مترقی و چپی نسبت می‌دهند و بر سر در کتابفروشی سوخته و نیز خانه یکی از افراد مبارز محمل

۲۸ میریلمدی توده‌های زحمتکشان ما بیکار دگر پست روی ماست. جنبش ملی ایران که پس از جنگ جهانی دوم سقوط دیکتاتوری سیاه‌رغزخانه‌ی بندپیچ اوج گرفت و سرانجام به رهبری مصدق، موفق به خلع پید از شوکت غاصب نفث‌انسان و انگلیس و استیقای حقوق حقه ملت ایران در این زمینه، و تا مین نسبی استقلال اقتصادی و سیاسی کشور گردید، در ۲۸ مرداد ۲۲ سرکوب شد. این ناکامی که بدنبال خود شکستها و عقب‌گردهای زیادی را ببار آورد و بعنسانون منال میتوان از سلطه متحد امیرالیم بر ثروت عظیم نفتی کشور و انعقاد قرارداد کنسرسیوم (۱۳۳۴)، ورود به بیمان بنفاد (که بعداً ستون نامیده شد). سرکوب تندید آزادخواهان و نیروهای انقلابی و سلب کلیه دسناوردهای دموکراتیک دوران گذشته، ایجاد ناسی و عدم اعتماد در صفوف وسیع مردم، برقراری روابط محدود با اسرائیل (که در زمان مصدق شناسائی دولت اسرائیل نسبت به آن پس گرفته شده بود)، سرکوب قسام ۱۵م خرداد ۴۲، افتادن کشور به زیر یوغ سنگس و امپا و سرما نه. گذارسیاهی خارجی و وابسته شدن هرچه بیشتر کشور به اقتصاد امیرالیستی، گسترش روزافزون مصلبتاریسم (نظا میگری) در ایران و نقش زاندارم امیرالیم در منطقه بجهده گرفتن و نظور خلاصه ۲۵ سال حاکمیت دیکتاتوری سلطنتی و یلمسی وابسته به امیرالیم که آثار و عواقب بسیار نومی را تا سالان دراز برای خلقهای ما و دیگر خلقهای منطقه بجا گذارده است. مهمترین عوامل این ناکامی تلخ را سینوان بشرح زیر خلاصه کرد:

عوامل خارجی:

- ۱) امیرالیسم کهنه‌کار انگلستان، از مبارزات رهائی بخش خلقهای ایران زخم حاکمائی را نخل کرده سود و منافع سرشار نفتی و اقتصادی و بدنبال آن سلطه‌ساستی او نه تنها در ایران بلکه کلا درخاورمیان و خلیج آسیب‌دیده و با توجه به الگو شدن مبارزات بیروزمنند ایران، میرمت که منافع انگلیس در سراسر منطقه در معرض نابودی قرار گیرد. لذا انگلستان با استفاده از کلیه وسائل سیاسی و نظامی می‌کوشید آب رفته را به جوی بازگرداند و جنبش را به زانو درآورد و در این کار علاوه بر فتنه‌های سیاسی در سطح بین‌المللی یا از طریق عمالین در ایران بر حکومت مصدق، نفث ملی سده را بایکوت کرده، در خلیج نیروی نظامی و دریانش را علیه ایران و نیز هرکسوری که قصد خرید نفت از ایران را داشت، به حال آماده باش درآورده بود.
- ۲) امیرالیسم تازه نفس آمریکا می‌کوشد جای خالی انگلستان را پر کند و مراشخوار منافع غارتگرانه استثمارگران پیش از خود باشد. لذا ابتدا با فریب کاری و ماسک آزادی به جیره زدن و تکه بر نیروهای سازشکار داخلی و ناظر حفظ سدی در برابر پیشروی کمونیسم (۱) و تا مین و گسترش منافع آزمندانده امیرالیستی این‌وارد مندان شد و در رابطه با تضادی که با امیرالیسم انگلستان بر سر تصاحب مناطق نفثود و غارت منابع کشورهای فقیر داشت در ابتدا از حکومت مصدق در مبارزه علیه شرکت غارتگر نفت انگلیس-نیس یشتبانی نمود و در عین حال زمینه را فراهم نکرد که اگر از این طریق به هدف نرسید به توطئه و کودتای نظامی نیز متوسل شود. ماسک آزادیخواهی آمریکائی با توطئه‌های شوم ضد انقلابی همراه بود که عدالت‌لزم از آن استفاده کند.
- امیرالیسم آمریکا سرانجام با همدستی انگلیس (و بقول اندین: "توافقی برای سافتن جاننن دکتور مصدق") و ساخت و پاخت با ارتجاع داخلی و درراس آن دربار، حکومت ملی مصدق را سرنگون کرد و شاه را دوباره به قدرت بازگرداندند. در این باره آنسدره تالی مفسر آمریکائی نوشت: "این عملیات اول سال آخر یک بون آمریکا بود. و نیویورک تا مین در شماره ۱۹۶۱/۵/۲۱ نوشت: "در ساقط کردن حکومت دکتور مصدق، "سا" نقش اصلی را بازی کرد."

این یک بیروزی بزرگ برای امیرالیسم بود به طوریکه تا سالها بعد، آمریکا کشورهای نفت خیز را که برای نیل به حقوق عادلانه خود از ثروت ملشان، با آمریکا مبارزه میکردند به سرنوشتی نظیر سرنوشته مصدق تهدید میکرد (نمونه‌اش تهدید نکسون به قذافی در سال ۷۲).

شابان ذکر است که این توطئه و کودتا در عین حال، نادرستی توهمات مصدق را نیز عیان ساخت که مدتها می‌ینداشت با استفاده از تضاد درون امیرالیسم لسنی بین آمریکا و انگلیس می‌تواند برای ایران، استقلال و آزادی (البته با همان مفهومی که خود از آنها داشت) را تا مین نماید.

کار خود نگذارد. مصدق علیرغم ادعای خود مبنی بر اعتماد و تکیه به نیروهای خلق، هرگز به خلق و زحمتکشان و خواستها و سازمانهای آنان متکی نیسود، این رهبری تنها تاسید سیاست خویش را از مردم می‌خواست و تنها آنها را برای تاسید سیاستهای اصلاح طلبانه و سازشکارانه خویش بسیج می‌نمود. توده ها نه دفعات و برجسته تر از همیشه در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نشان دادند که تا کجا حاضرند از حق حاکمیت ملی خویش و در دفاع از دستاوردهای مبارزات حق طلبانه خود، ایستادگی و فداکاری کنند، تا کجا حاضرند نیروی سرکوبگر ارتجاع را بهیچ گرفته، و دسحالی در مقابل

۲۸ مرداد، شکستی طبیعی،

نتایج کودتای ۲۸ مرداد: برقراری مجدد سلطه امپریالیسم بر منافع نفت و انعقاد قرار داد کنسرسیوم، شرکت ایران در پیمان ستوتو، شناسائی مجدد اسرائیل، سرکوب قیام ۱۵ خرداد، بجهده گرفتن نقش زاندارم امیرالیسم در منطقه، ۲۵ سال دیکتاتوری نظامی پلیسی.

با الگو شدن جنبش ملی نفت منافع امپریالیسم انگلستان در خاورمیان به معرض خطر بود. در آن زمان هم چماق بدستان ارتجاع و چاقو کشان فاشیست فعال بودند.

نقش آیت‌الله کاشانی و روحانیون مر تجع در وقوع و تسهیل کودتا چه بود؟

ابطه با نقش و عملکرد سیاست‌های امیرالیستی انگلیس و آمریکا به این نکته باید توجه داشت که امیرالیسم انگلیس اساساً تا تکیه بر روشی کهنه اسنماری و فتوالتی و دیکتاتوری در حفظ منافع خود می‌کود. و لذا با بگاهاش در ایران عبارت بود از دین سلطنتی (که خود نهادی فتوالتی است)، اقتصاد فتوالتی و بوروکراسی و فرهنگ عقب مانده مناسبات آن، در صورتیکه امیرالیسم تازه نفس آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم "فضاهای حیاتی" گسترده‌ای را بیست روی خود می‌دند، با اعمال شیوه‌های نوسن بورژوازی و تغییر بنیادهای اقتصادی و سیاسی کشورهای تحت سلطه را - بنحوی که هماغه‌ها را بشود سرمایه‌های امیرالیستی و صدور سرمایه باشد - مناسبت و بشفخ خویش می‌دیده‌است است که از رشد بورژوازی کشورهای تحت سلطه و تقویت بورژوازی وابسته در آن کشورها حمایت میکرد.

بنفاد انگلیس و آمریکا در آن سالها در ایران و حمایت اولیه آمریکا از بورژوازی ایران به رهبری مصدق از امل فوق ما به منگرفت-سرابن یابه بود که آمریکا می‌توانست با بیرون کردن امیرالیسم فرسنتون انگلیس خودجا بگزین آن شود. همیظورتوجه آمریکا در برابر ایجاد سازمان برنامه و سیاست برنامه‌ریزی اقتصادی و سرانجام تبدیل فتوالتیسم وابسته که در اوایل سالهای ۴۲ "انقلاب سفید" شاه عملی شد از چنان سیاستی ناشی میشود.

ضمناً برای امیرالیسم آمریکا در چهار جنبه سوب مبارزه‌ای که در سطح بین‌المللی با شوروی دارد ضد کمونیستی بودن رژیم‌های آمریکا اهمیت زیادی دارد چرا که نظر آمریکا بک رژیم کمونیستی جزء بلوک شوروی قرار میگیرد و یکی دیگر از دلایل حمایت اولیه آمریکا از مصدق همین امر بود. چنین حمایتی را آمریکا در ابتدای امر از عبدالناصر هم در مصر می‌نمود.

عوامل داخلی:

مهمترین عوامل داخلی شکست، عبارت بود از ماهیت و ترکیب نیروهای فعال آنروز (اعم از نیروهای سیاسی مترقی و نیروهای ارجاعی وابسته به امیرالیسم)، که در زیر مختصری بدانها اشاره می‌کنم:

الف) جنبش ضد امیرالیستی ایران که رهبری آنسرا جنبه‌مللی و درراس آن دکتور مصدق بجهده داشت، فاقد یک سازماندهی انقلابی و آگاه بود. رهبری بورژوازی ملی با ماهیت سازشکارانه و اصلاح طلبانه خود، هرگز

تا نکهای ارتش ارتجاع به پیش روند. و بیروزی را از حلقوم دسمن سرورن کنند. اما رهبری بورژوازی ملی که در جنبه قیام ها و مبارزات مردم دوباره بر سر کار برگشته بود، (سی تیر ۳۱ به بعد)، کاری سده خواستهای واقعی زحمتکشان چه اقتصادی و چه سیاسی نداشت و راه مناسبت جوانانه و سازشکارانه خود را می‌رفت. مصدق فرمانهای مردم را داتر سرموشگری ماطع علیه دربار - اسن لانه جاسوسی و نوکسری امیرالیستنها - را ناده منگرفت و همچنان با آن معاشات منگردد. مصدق هشدار های مکرر حزب نسوده را دایر بر هشاری در برابر توطئه کودتا - گرچه یک حزب که ادعای رهبری پرولتاریا را می‌کند به همدار ختک و خالی به بورژوازی ملی در مقابل توطئه‌های امیرالیسم اکتفا نمی‌کند، کاری که حزب توده می‌کرد - بست گوس می‌انداخت.

مصدق بنا به ماهیت و ظرفیت طبقاتی هرگز نتوانست از جارجوب خواستهای اصلاح طلبانه و سازشکارانه خارج شود. او حتی فشارهایی را که از جانب عناصر رادیکال درون جبهه ملی و دولت، مانند دکتور حسن فاطمی شهید، در رابطه با اتخاذ موضع قاطع علیه دربار و نیروهای ارتجاعی به او وارد می‌شد ناده می‌گرفت. دکتور حسین فاطمی در باختر امروز مورخه ۲۶ مرداد ۳۲ سنی کروز پس از فرار شاه از ایران نوشت:

"من همیشه گفتم که حق این بود پیش از سسن کمسولگریها در سرتاسرها و سمارت حصه (انگلیس) در تهران، آن مرکز سنگ و رسوائی که انگلستان را حالی خود مبداند و ساحه و برداحه شده "آسرون ساد" - انگلیسی - و "هاوارد" - معروف است، کوبیده شود و در باس حائ مجری اراده احسی ها را کل بگردد. " و مردم در تظاهرات نشور و سراسری خود فریاد می‌زدند: "ما سه سنی خواهیم، سناه براری و احسی برستاند حیاکمه سود"، "ناسود ناد ساسط نکس دربار پهلوی" و ...

در صورتیکه مصدق چنین نشور و سرخوردی نداشت. وی در این باره، ضمن مذاقعات خود در دادگاه نظامی گفت: "... منمم گرمیم به سرفهت و بران سسبساد کسم آنها بلگرایکسند و نظر اغلب صرت را از اسس سافر (منظور همان فرار شاه از نرس مردم در ۲۵ مرداد است!) - حواهد و محرم سراسند که در تهران سابع سده است صد اسمعا دارند. چانه مورد نکند ساد در حواس سود هرچه رود سرفهت سرفهت سواد و ار مقام سلطنت سرفسری فرماید. " (ماحد ساسی ص ۶۱۳)

واقئاً که تفاوت خواست‌نوده‌ها و عملکرد رهبری از زمین تا آسمان است. رهبری جبهه ملی بخاطر ماهیت بورژوازی و سازشکارانه‌اس - که فعلا اشاره کردم - هرگز نمی‌توانست به خواستهای انقلابی و دموکراتیک توده‌ها در باره اهمیت مبارزه با دربار این سبیل ارتجاع و وابستگی، ارزشی قائل شود، چنانکه امروز هم رهبری کشور قادر به درک اهمیت مبارزه با سلطه امیرالیسم و ناسودی سرمایه‌داری وابسته یعنی درک منافع اساسی توده‌های تحت ستم نیست (۲).

امروز همانها که سالها از مصدق عقب‌ترند و تا ۲۵ سال از ۲۸ مرداد، و یکی دوماه پیش از سقوط نهایی سلطنت در ایران، بازم از سلطنت دفاع می‌کردند و اکنون سوار بر موج جنبش خلق، زمام امور را در دست دارند بسار فاحه نارتر از گذشته و سی آنکه کارنامه‌های نسبتاً آسرومند نظیر مصدق را داشته‌اند به معاشات در برابر امیرالیسم و به ضدیت با خواست -

(۲) - اسکه اسن دوش حه تعاضی ما هم دارند، وشراط حاکمیت اسن با آن چه مسافلی را پس روی ما می‌گارد

های انقلابی و دموکراتیک نوده‌ها مشغولند و انقلاب راه ناکامی فاجعه آمیزتری آنته پس از اینهمه مبارزات طولانی و خونین سوق می دهند .

ابتدا ، امری که هرگز بر مبارزان آگاه مکتوم نمانده است ، عملکرد این سیاست و ماهیت دنباله روانه از ابتدا تا امروز ، چه زیانهای غیرقابل حیرانی که سر حبیب‌زاد امیربالیستی و جنبش کارگری مهیب مسوار د آورده است ، سیاسی که هراسنازه هم که ما هرانه بدان رنگ و روغن بزنند جز در چهارچوب منافع " حزب سردار " - و المته نه منافع توده‌های مهیب ما - نمی گنجد .

شنان دهد و هزاران تن از اعفاء و هواداران صدیق و مبارز حزب را نه جلادان کودتاجی سرد و جنبش ملی را در سراسر نهجام وحشانه امپریالیسم و ارتجاع بحال خود رها کرد . فاجعه آمیزتر از آن ، خیانت ناهمسانی چون دکتر بهرامی و دکتر محمد بزدی است که با تسلیم عاجزانه و ذلت‌بار خود نه رژیم کودتا سی اعتمادی هولناکی نسبت به هر آنچه مبارزه حزبی و تفکر جیاست در نوده‌ها ایجاد نموده باس و بدبینی مفرطی را در اذهان اکثریت مردم بوجود آوردند که سان روس و هنری آترا مثلا در شعر " نادر نا اسکندر " (م . ا . مند) می توان دید ، عملکرد خائنه رهبری حزب توده جان طرز بلقی غلطی از یک حزب مارکسیستی لیننستی (که هر حزب نوده ادعایش را داشت) در اذهان ساده مردم بحاکمادت که بقول رفیق سهند مسعود احمدزاده : " اگر مبارزه کسره نه رویربوسم در سطح جهانی و در داخل کسور درسالهای اخیر حیران سامه بود ، مرمته‌کنه‌نگمایی و سی اعتمادی نسبت به مارکسیسم لیننسم سانجامد . "

تجربهای فراموش نشدنی

مردم: ما شاه نمی خواهیم

دکتر فاطمی: باید قبل از بستن درب سفارت انگلیس، درب خانه شاه (این مجری اراده اجنبی‌ها) را گل بگیریم .

مصداق (در دادگاه):

(درخواست مردم اعلیحضرت) هر چه زود تر تشریف فرما شوند و از مقام سلطنت سرپرستی فرمایند.

چرا حزب توده در برابر کودتا دست از پا خطا نکرد؟

جواب را در اپورتونیسیم، در عدم نمایندگی کارگران و زحمتکشان و در باندبازی‌های درونی آن باید جست.

نخواهد داشت .
ب (نیروی سیاسی مهم دیگر آترمان حزب توده ایران بود این حزب که طی ده سال فعالیت اولیه علنی و نیمه‌علنی خود ، و در نتیجه خلائی که از لحاظ وجود نکت تشکیلات سیاسی مترقی از آترمان وجود داشت ، نوانسته نبود نیروهای راستی از کارگران و زحمتکشان و روشنفکران مترقی را سازماندهی کند ، تنها نیروی سازمان‌ناهمه ای بود که با بستن بانی زحمتکشان و نیروهای مترقی در سراسر کشور ، و خصوصاً وجود سازمان افسران کسه مبارزان فدائیکاری چون شهید خسرو روزبه سز در کادر مسئولین آن فرار داشتند می توانست نفس تعیبن کتنده - ای در سرنوشته کشور و در مقاومت علیه کودتای خائنه و امیربالیستی ۲۸ مرداد نازی کنداما مدلیل نظفه - ضعفی اساسی که در حزب و کمیته مرکزی آن وجود داشت نه تنها از انجام اس مهم عاجز ماند بلکه باخائنات فراموش‌نشدنی رهبران حزب جان مرته هولناکی به جنبش فدائیمیربالیستی خلقهای ما و جنبش کمونیستی ایران زد که آثار آن نه تنها تا حالا زایل نشده بلکه سالهای سال نیز ادامه خواهد یافت .

(عمل نمعی)
ح (نیروی دیگری که در آترمان معالاه عمل مکسرد نیروی ارتجاع داخلی بود که سرکنی بود از مئودالها و زمس داران بزرگ وابسته و درراس آنها دربار ، عسده ربادی از رجال سیاسی و فرماندهان ارس که بطورستی نه امیربالیسم انگلستان نا آمریکا وانسه بودسند مانند علم ، امیبی ، زاهدی و ... و سیز برخی از روحاسون که گرجه زمانی خود نه حمایتار مصصدق برخائنه بودند و در کنار او فرار داشتند ، سرانجام نخت‌ناشر منافع نکت نظرامه و خاه طلبهای طبقاتی خود و وابستگی‌های بهان و آسکاری که نا ساستهای امیربالیسی رسیده دانسند در صت مقابل حکومت صدق فرار گرفتند مانند آت‌الله سده ابوالفاسم کاشانی که سار دوره ای همکاری نا مدق ، سنا ز فنام سی سر ، حی نه همدسی نا عناصر راست و وابسته درون جیه ملی چون دکتر مظفر بقایی و حسن مکی ، به ایجاد نکت‌فد در صفوف ملیون اکثفا نکرده ، بلکه نه توطئه علیه صدق برداختند ، آنها از داشتن روابط ساری نا سفارتهای آمریکا و انگلین و همکاری با زاهدی (کودتاجی) و دربار هم ایا بداشته و از دسنه های فاشیت و فداره بند خود ، همواره بستوان جسمناق سرکوب آزادخواهان در تظا هراب ملی و فد امیربالیستی بود می چستند و سرانجام هم نه شاه که سناز کودتا به ایران برگشته بود تشریک گفتند ! روحانئون دیگسری هم بودند که هرگز دست از مخالفت و کارکنی نسبت به صدق برنده‌انسنند و همواره از موضع راست و حمایتار ز مئودالها مردم را نه انواع وسائل علیه حکومت ملی صدق تحریک مسکورد نظیر آت‌الله سبیهانسی (۵) و فلسفی (واعظ معروف) (۶) که در این اقدامات خسود از حمایت آت‌الله بروجردی هم نه نحوی برخوردار بودند چنانکه آت‌الله حاج آقا حنی قمی (مقدم شهید) نسز صدق را " زندیق " می نامید . باری این دسته اخیر کسانی بودند که بیسپاسی نیروهای کودتا ، نه آساده کردن ذهن مردم علیه نیروهای مترقی و بشفخ شاه و ارباناش حرکت مینشودند . اقدامات ارتجاعی ایسان را حلفهای ستمدیده ما هرگز فراموش نخواهند کرد .

هرگز امکان تستت نظرات صحیح خود را در حزب نمعی - یافتند و سرانجام قربانی نظرات غلط و باندبازیهای اپورتونستی رهبری که بالاخره به خیانت می انجامید می شدند .
اهمیت این نقاط ضعف و ماهیت نا سالم رهبری حزب زمانی آشکار می شود که بدانیم در زمان صدق ، حزب نوده سنا سازمان و حزبی بود که اگر (اگر) جنبش نبود و این موضعگرهای خیانت‌آمیز را ندانست ، بدون نکت در برابر کودتای امیربالیستی ارتجاعی ۲۸ مرداد مقاومت میکرد و بخصوص اگر توجه کنیم که نوده‌ها و هواداران حزب که در سراسر ایران انتظار مکی‌الععمل انقلابی و ناسی را از سوی حزب دانسند همگی آساده بودند که حتی به مبارزه مسلحانه دست زنند . همانظور که سبمی از کمیته‌های ایالات بدون دستور مرکزی فرمان مقاومت مسلحانه و نه تعبیر آتروز " فرمان انقلاب " دادند . اگر اس کودتای خائنه به اس آسانی (که حتی برای شاه و اربابان هم غیر منظره بود !) با موفقیت بنوام نمی شد آنتهمه خسارت‌بار نمی آمد . رهبری حزب علیرغم آنکه راه را در تشریحات خود نستند و وقوع کودتا هندار های منخص منتظر کرده ، اطلاعات دمسیق بدست آمده از سوی سازمان افسران حزب را داثر به طرح ریزی کودتا علیه صدق را در اختیار دول‌فزار داده بود ، اما خود سنا بدلائل مذکور در زمان وقوع کودتا کوچکترس حرکتی از خود نشان نداد و نمی توانست هم

ضعفهای بنیادی حزب نوده ایران به اختصار عاراب بودند از :
۱) وجود اپورتونیسیم ریسده‌ار در حزب از همان آغاز فعالیت در ۱۳۲۱ ، اپورتونیسیمی که تا کنون ادا مفاشته و هرگز همراه با سرخورد مفاقدانه‌ای از سوی حزب در رابطه با عملکردهای گذشته اش آفشاء نشده است ، اپورتونیسیمی که در حوادث پیاپی طی ۲۷ سال عمر حزب ، خود را به وضوح نشان داده و نموده‌ای آترا در حوادث آذربایجان (سال ۲۴ و ۲۵) ، در ائتلاف با قوام السلطنه و شرکت در دولت ارتجاعی و دست‌نشانده‌ار در سال ۲۵ (۳) ، در سرخورد جی روانه با حکومت صدق بنش از سی نیبر ۳۱) که البته سناز " تصحیح " این خط مئی جی روانه به دنناله روی از صدق و راست روی افتاد بطوریکسه انتظار مقاومت مسلحانه در برابر کودتا را از دولت صدق داشت ، در با سقیسم مطلق در برابر کودتای ۲۸ مرداد و عدم تحریک عملی در برابر خطری که جنبش ضد امیربالیستی خلقهای ایران را نه نانویدی تهدید می کرد مبتوان دبد . (۴) . (ادا مه حسین ساساپور - تونستی ، که از ماهیت طبقاتی رهبری حزب ما نه میکبرد - رهبری ای که نه نمانسده کارگران و زحمتکشان توده حزبی بلکه نماینده قشری از روشنفکران لیبرال درون حزب بود - بعدها در رابطه با حاکمیت روزبوسنسم سر بساری از احزاب کمونیستی سطح جهانی ، نه اردوگاه روزبوسنسم بسوست که جای تحلیل آن در اس مقاله نیست)
۲) تبعیت مطلق و کورکورانه از سیاست شوروی از همان

۱) در اجتماع بیرونی که در مسجد صرکی که در مسجد حاج سدرعززالله (معروفه مسجد شرکها) نه دعوی سبهای و ده‌ها سار علمای درجه اول بهران و سبهران ها و نا حضور آسان نکسل سده بود سربان فلسفی واعظ حسن سان داسک : " مگر می سود رمن مردم را نه زور ار آنها گرفت " ؟ !
۲) - سب محمدعی فلسفی هرگز دستار بوطفه و تحریک عناصر نا آگاه علیه حکومت ملی صدق و سبروهای مرمی برداسب و سر نکت در هموار کردن راه برای اسعفا ار نارکت‌ساده در حیران کودتا عامل ماند . بعدها هم و نا امروز ، همواره علیه سبروهای مرمی و مارکسیسها دسب نه تحریک رده است . حوادثی که طی ماههای گذشته در حد شهرستان (محمله حرم آباد نگاه کسند نه بکار ساره ۱۱) نخت‌ناشر سحرانهای ا ، علیه سبروهای انقلابی و آت‌ن‌ردن کنا مرمی سبهای مرمی بدس آمده‌سان دهنده بعضی ارتجاعی و ماهیت مفاصلی

کسید اول کار را از کار گذشته سمرسد و سبب درسامت ۲ بعداظره اوسند کاری کسک ولی ارباط‌طابحری در انر دسوسر ۲ بعداظره بینار نلعن دوم نه صدق رور ۲۸ مرداد ۲ آن سر نه انقای آرا گرتته سده و حاکی ار بومیه نه رفقای حری ساری رمن نه خاه‌ها و سبیر کردن آنها ار اساد و مدارک حری بود علا طبع سده بود . در اس موقع رهبری می توانسار امکانات محلف‌فوا برای عمل اسعاده کند ولی در انر سسدم نوجه سبب امکانات همگوره کاری انجام نگرفت . " (گذشته خراج ... صحه ۶۲)
۳) - او نه سبها در زمان صدق نا راه انداختن حوادثی نظیر بهم اسعد ۱۳۳۱ نه اصطلاح برای طلوگری ار مامرت‌ساره نه خارج و توطئه قتل صدق دمسیق اوسان در آترور ، با در سوطه‌گری جیب مومفست کودتای ۲۸ مرداد و ... نه حساب نه خلق معمول بود بلکه در حیران املاجات ارضی سال ۴۱ سیز موضعگری ارتجاعی

۳) - حزب نوده در برخی ار سمرات خود اظهار می - دارد که گویا در رابطه با اس اقدام خود و سارس و مشارکت نا دولت فوام ار خود " اسعفا " کرده است . در سورسکه هسور هم همین ساسب ، در رابطه نا توجه همکاری " حزب کمونسب عراق " و امثال آن سناط‌مهای سورروائی و فاشستی مورد ناکید حزب نوده است .
۴) - کمیته مرکزی حزب نوده ایران خطای رهبری حزب را درباره کودتای ۲۸ مرداد طی مفاصه سلوم وسیع خود حسی سرح می دهد : " ... پسار شروع کودتا و سبور و اسب در درک ماهیت حوادث رور ۲۸ مرداد برای آنکه مفاا اعدامی در جیب مخالف سیاسی صدق بکسند صدق بلعن کردند ، بدان اکتفا نمودند و نه اطمینان دادن او که دولت سر اوطاع مسلط اساطمیان نا فاشندو پسار آنکه خادنه بسط نامت و جیبه حیرناک آن آسکار - نرسد و مجددا نه صدق بلعن کردند و وقتی صدق گفب

درافشای سوسیال امپریالیسم شوروی - ۳

هنگامیکه چریکهای فدائی به توجیه رویزونیسم خروشچفی میپردازند

موضوعگیری‌های ضد رویزونیستی آنان اغلب سطحی و پوک بوده و حاکی از شناخت نداشتن عمیق از جوهر ارتجاعی رویزونیسم نمی‌باشد. گفتار آنان معمولاً نوعی نفرین کردن است تا تحلیل علمی و هم‌تراستانناج‌های سیاسی. صرف از آن که بکار پیشبرد مبارزهٔ کمونیستی آید. صرف محکوم ساختن رویزونیستها به این خاطر که آنها "تذکار سلامت آمیز" را مطرح می‌نمایند، لزوماً بیان یک موضع پرولتری نخواهد بود. چه بسا خرده بورژوازی انقلابی نیز که خواهان انقلاب است این ترزا را با قاطعیت رد کند. مسئلهٔ اساسی اینست که یک جریان سیاسی بتواند در تئوری و عمل با رویزونیسم در تمام ابعادش مزیندی نماید. تفکر خرده بورژوازی‌ای که از انجام این مزیندی ناتوان است، مفهومی که از سوسیالیسم و کمونیسم ارائه می‌دهد فرستگها با درک علمی از این دو مقوله فاصله دارد. این تفکر غیر پرولتری بنوعی رویزونیسم را بمثابة کمونیسم قلمداد می‌کند و خود از آن مایه می‌گیرد. بیبنیم رفقای فدائی چه می‌گویند:

"در جامعهٔ شوروی در طی دوران حکومت لنین و تا دوره‌ای معین زیر حکومت استالین، سوسیالیسم به پیروزی نرسیده بود و بنابراین احیاً سرمایه داری بر مبنای خرده مالکی ممکن بود. اما پس از پیروزی سوسیالیسم در روسیه احیاً سرمایه داری توسط "کودتای نظامی" بی‌معنی است. هرگز دارودستای قادر نیستند مناسبات نوینی را بوجود آورند. آنها بر روی مناسبات مادی که امکان چنین امری را از جامعه سلب نموده است. (نبرد خلق شماره ۷) (تأکید از ماست.)"

در اینجا اگر منظور از "پیروزی سوسیالیسم" در شوروی بفرض حال پیروزی کامل و نهائی سوسیالیسم یا برآمدن کمونیسم باشد از نظر تئوریک ما هم موافقیم، زیرا پیروزی نهائی سوسیالیسم یعنی پشت سر گذاردن فاز اول کمونیسم، یعنی برآمدن جامعه‌ای فاقد اختلافات طبقاتی و مجموعهٔ عوارض زیربنائی و روبنائی ناشی از نظام طبقاتی کهن، یعنی برآمدن نظام کمونیستی میباشند و در این حالت، یعنی پیروزی نهائی سوسیالیسم یا برآمدن کمونیسم را نه تنها از بین رفتن خرده مالکی بلکه اساساً مفهوم "محصول کامل طبقات" در نظر داریم و بر این اساس امکان بازگشت سرمایه داری در شوروی را غیر ممکن میدانیم چرا که عوامل زیربنائی و روبنائی بازگشت به عقب از بین رفته‌اند. (البته فراموش نکنیم که رفقا در رابطه با تولید خرده به تناقضگویی می‌آیند در حالی که در نبرد خلق از بین رفتن خرده مالکی را بشارت میدهند. در نشریه کار شماره ۱۸ صحت از - خرده بورژوازی "روزیرون ناتوان تر" و "بقایای خرده بورژوازی بی‌رق و در حال مرگ" میکنند. بالاخره خرده بورژوازی زنده است یا مرده؟) حال آنکه در شوروی اینچنین نبوده است. (در تمام دوران رهبری رفیق استالین طبقات و عوارض ناشی از آن در سطح جامعه موجود بودند. وجود گروه بندیهای طبقاتی پرولتاریا، دهقانان، روشنفکران و کارمندان و نیز وجود تولید کوچک، حقوق بورژوازی، تفاوت کارمندی و کار فکری، اختلاف میان شهروده و بالطبع وجود مجموعه مناسبات سیاسی - فرهنگی که از این زمینه مادی برمیخیزند دلایل روشنی بر عدم تحقق امر کمونیسم بود. زیرا تا زمانیکه تفاوت بین کارگر و دهقان از بین نرفته و همه افراد جامعه به "کارکن" تبدیل نشده‌اند، تا زمانیکه سازمان تولید بکلی دگرگون نگردیده و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی برقرار نشده و فرهنگ و اخلاق کمونیستی برافرازد جامعه مسلط نیافته است. به زمینه موجود طبقات و برقراری کمونیسم نرسیده است. حال بر پایه چنین مناسبات مادی‌ای چریک های فدائی بنادرست معتقدند که "هرگز دارودستای قادر نیستند، مناسبات نوینی را بوجود آورند" (۱) (ما از چریک های فدائی سؤال میکنیم آیا وجود همین "دارودستای رویزونیستی خروشچف" که شما نام میبرید - و چنانچه بین این دارودسته رویزونیستی و نیروی پرولتری تفاوت ماهوی قائل شوید بیان وجود طبقاتی مادی ناشی از طبقاتی گوناگون نیست؟ و اگر چنین است آیا پایه اجتماعی این "دارودسته" در خلاص است؟ و یا بر روی مناسبات مادی معینی که در جامعه موجود میباشند؟ حال با توجه به آنچه در باره دوران رفیق استالین در فوق ذکر رفت چگونه ممکن است یک جریان طبقاتی غیر پرولتری در جهت براندازی مناسبات سوسیالیستی نکوشد؟

چریکهای فدائی در ادامه منطقی شیوه استدلال خود راه د دیگری ندارند جز اینکه همزمان با رویزونیستهای خائن خروشچفی به نفی دیکتاتوری پرولتاریا در دوران سوسیالیسم برسند. چرا؟ (ادامه دارد)

پیروزی نهائی سوسیالیسم استقرار کامل و بی برگشت پیدا می‌کند. این دوران، دورانی است که قدرت سیاسی طبقه پیشتاز بر روی بافت و سرزمینی استوار شده که مدام نسل - های جدیدی از بورژوازی را پرورش می‌دهد و بقول لنین: تولید کوچک "همواره، همواره، هر ساعته، بطور خود بخودی و بمقیاس وسیع، سرمایه داری و بورژوازی را پدید می‌آورد". (بیماری کودکی "چپ روی" در کمونیسم)؛ و بناگزر بر این بستر مساعد طبقات و تضاد طبقاتی وجود داشته و مبارزه طبقاتی به جریان خود ادامه می‌دهد و اگر قبول داریم که هدف هر مبارزهٔ طبقاتی کسب قدرت سیاسی است، بنابراین هر کدام از این طبقات می‌کوشد تا این قدرت را تصرف و در انحصار خود قرار دهد. در این جامعه - طبقاتی پرولتاریا می‌رزد تا قدرت تصرف شده را تحکیم نماید و طبقات دیگر جدال می‌کنند تا آنرا بچنگ آورند. لنین می‌نویسد: "طبقهٔ استثمارگران مملکتان و سرمایه داران از بین نرفته و ممکن نیست تحت دیکتاتوری پرولتاریا بفسوریت از بین بروند. استثمارگران در همه شکست خورده، و لاسی نایب نشده‌اند. سرمایه با پایه هم‌الطی آنها یعنی سرمایه بین النودی، که آنها شعبه‌ای از آن هستند، باقیمانده است. قسمتی از اسواصل تولید معین در دست آنها باقیمانده است، پول و ارتباطات عظیم اجتماعی باقیمانده است. نیروی مقاومت آنان، همانا بعلت شکستشان، صدها و هزارها را افزایش یافته است. برخورداری از "فن" اداره امور دولتی، نظامی و اقتصادی تفوق بسیار زیادی بر آنها میدهد، بقسمی که اهمیت آنان به مراتب بیش از نسبت آنان در بین ده کل اجالیست - مبارزه طبقاتی استثمارگران سرنگون شده علیه پیشاهنگ پیروزمند استثمار شوندگان یعنی پرولتاریا برتاب شدید تر شده است. و هر آینه از انقلاب سخن در میان باشد و این مفهوم را با بندهارهای رفرمیستی تعویض نکنند (کاری که تهرمانان انترناسیونال دوم میکنند) ، جز اینهم نمی‌تواند باشد. " (همانجا)

چریکهای فدائی خلق هنوز قانع نشده‌اند. آنان از آنجا که درک علمی از سوسیالیسم نداشته و بنابراین مسائل درین گذار را نمی‌توانند بخوبی تشخیص دهند و بعبارة عدم شناخت و تزلزل رفقا در قبال رویزونیسم عملاً آنان را به توجیه رویزونیسم خروشچفی سوق می‌دهد. همچون رفقای فدائی نیروهای انقلابی دیگری هستند که فکرمی‌کنند با رویزونیسم مزیندی دارند، در حالیکه اگر خوب درکقت شود مگامیکه فکری و زاویهٔ دید آنان نه بر مبنای مارکسیسم لنینیسم و بلکه بر یک زمینهٔ فکری رویزونیستی قرار دارد. [خصوصیت اقتصادی دوره انتقال که بین سرمایه داری و کمونیسم قرار دارد در اینستکه بقایای نظام گذشته و جوانف های نظام آتی در کنار یکدیگرند. اما کهنه اضمحلال یافته و نو بایانده است. در این مورد لنین می‌گوید: "این دوران انتقالی نمیتواند دوران مبارزه بین سرمایه داری و میرنده و کمونیسم پدید آید یا بعبارت دیگر: بیبن سرمایه داری مغلوب ولی هنوز محو نشده و کمونیسم پدید آمده ولی هنوز بکلی ضعیف، نه باشد. " این شکلهای اساسی اقتصاد اجتماعی عبارتند از: سرمایه داری، تولید کالای خرده و کمونیسم. این نیروهای اساسی عبارتند از: بورژوازی، خرده بورژوازی (بویژه دهقانان) و پرولتاریا. رژیم اقتصاد روسیه در عصر دیکتاتوری پرولتاریا عبارتست از مبارزهٔ نخستین گامهای کاری که بشیوه کمونیستی - در مقیاس واحد کشوری پهنای - متحد شده است، علیه تولید کالای خرده و آن سرمایه داری که بر جای مانده و بر پایه تولید مزبور احیاء میگردد. " (اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا - اکتبر ۱۹۱۹)

بعلاوه خصوصیت روبنائی جامعه به این ترتیب است که دولت - اگرچه دولت دیکتاتوری پرولتاریا - وجود داشته و آید ثلوثی و فرهنگ سرسخت بورژوازی و خرده بورژوازی و حتی فئودالی - مدعی با قوت تمام عمل می‌کنند و مانع از آن می‌شوند که آید های کمونیسم در میان طبقه و تسوده بسرعت نفوذ یابند. این خصوصیات کم و بیش در طول دیکتاتوری پرولتاریا باقی میمانند و دیکتاتوری پرولتاریا اعلان جنگ و انقلاب مداوم است جهت محو کلیه مناسبات تولیدی گذشته، کلیه مناسبات اجتماعی که بر پایه آن شکل میگیرند و کلیه افکار و اندیشه‌های که از این مناسبات اجتماعی پدید می‌آیند. نظام آتی تنها در یک جنگ سخت و همه جانبه و در تمام عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اداری و غیره است. که شد. مکنند، استحكام ممانده همزمان، سا

چگونه حزب توده قضیه عضو سواکی خود را توجیه می‌کند؟

در یکبار شماره ۱۵ مطلبی داشتیم راجع به ساواکی سون مسئول ایالتی و کاندیدای حزب توده در اصفهان. پس از انتشار این مطلب افکار گران از جانب ما و روستن دست گردانندگان حزب توده، آنها طبق معمول و بنا بر مایه‌هاست با دست به توجیه مسئله زدند. در اطلاعیه‌ای که از جانب آنان در مردم شماره ۴۹ انتشار یافته تلاش شده است که وجود یک فرد ساواکی (یک فرد ۱۴) در جزمنا توجیه شود. در اطلاعیه مزبور چنین آمده است: "اسک ساواک رده‌ای نواند در صفوف حربی که دهها سال در سحر برسی سراط، ار حمله انسان دراز در سراط محمی مارره کرده و ناره فعالیت علی خود را آغاز نموده رجه کند، های نگفنی نیست (!!) در این قولی که نقل شد دنیای معنی است که از نارلاتا نیسم و سفسطه‌گری اناناشته است و ما فقط مختصراً به آن میبردا - زسم. وانکه آنا نتجه آبدیدیگی و ار کوران مبارزه گذشتن باند باعث تقویت و نفوذ اندزنی شود و بسا نالعکس؟ حزب توده میگوید رجهس. در همین نقل قول نسنجه گیری ایمنان دنیفا ۱۸۵ درجه با مقدمه شسان مغایرت دارد. و بنا بر استدلال ایمنان هر قدر حزب و با سازمانی از سابقه طولانی تری برخوردار باشد و مسازرات سخت تری را پشت سر گذاشته باشد، باید در مقابل

نقدی بر "طرح خود مختاری کردستان" شورای

هماهنگی جمعیت‌های کردستان - ۳

برخورد رفرمیستی به تحقق خود مختاری

توضیح نمی دهد .
 ... شرایط واقعی، تحقق خود مختاری و ضرورت رهبری لایق
 کارگر را شرح نمی دهد .
 - اختلاف عمیقی را که در پس استراک اسم " خود مختاری"
 بین ما و نیروهای ارتجاعی ، تجزیه طلب و فرصت
 طلبی از قماش فئودالها ، فساد موقت و حـزب
 دموکرات موجود است نشان نداده و خود را در حد
 عملکردهای پاره ای از نیروها و آنچه در بعضی موارد
 محدود می سازد .
 آری ، علاوه بر اینکه این مسائل اساسی را بدرستی
 توضیح نمی دهد ، بلکه با برخورد رفرمیستی خود این
 توهم را در نزد توده ها شدت می بخشد که اولاً : گویا در
 چهارحوضه سیستم حکومتی مصلی تحقق خود مختاری واقعی ممکن
 است .
 ثانیاً : خلق کرد می تواند سائیکه بر نیروی خود
 در شرایطی که ما با یک انقلاب بیروزمند روبرو نیستیم
 مستقلاً به رهایی از قید ستم ملی و ... دست یابد .
 ثالثاً : نیروهای فرصت طلبی از قماش حزب دموکرات
 که نویسندگان جزوه سعد از قلم انداخته و نخواسته -
 اند بدان برخورد کنند ، بنظر در مقام نیروهای کسی
 می توانند در جهت تحقق واقعی خود مختاری مبارزه کنند ،
 شناخته شوند .
 یعنی شورای هماهنگی بدون اینکه خود خواسته
 باشد ، ذهن توده ها را نسبت به واقعیات جاری مغشوش
 ساخته و بادت خود بر عوام فریبی های حزب دموکرات ،
 قلابه موقت و ... راه باز می کند و چنانکه در قسمت
 قبلی تیز گفته ایم به دنبال لوری از بورژوازی و خرده -
 بورژوازی افتاده و سرگراست تا سونالیستی که بر
 مناسخ طبقاتی زحمتکش برده سائر افکنده و مبارزه
 ملی را از مبارزه طبقاتی جدا می کند ، شدت می بخشد
 گرایشاتی که امروزه هم از سوی نیروهای ارتجاعی
 نامبرده و هم از سوی خرده بورژوازی و " بورژوازی
 ضعیف ملی " بدان دامن زده می شود و اقدامات سـ
 بنیستی و سرکوبگرانه دولت در قبال خلقها سازار
 ناسیونالیسم را هرچه بیشتر گرم می نماید . مسا در
 شماره بعدی نظر خود را درباره " رهبری جنبش ملی "
 ونظر نویسندگان جزوه را در این باره مورد بررسی
 قرار خواهیم داد . دشمنانه دارد ...

آنطورکه محتوی جزوه " شورای هماهنگی ... کواه
 است ، رفقای مادر مورد عملکردها و موضع دولت در قبال
 کردستان یعنی محیط فعالیت انقلابی جمعیت‌های کردستان ،
 با ما متفق القولند . اما وقتی به اینجا می رسم که
 با در نظر گرفتن " اوضاع کلی ایران " و عملکردهای
 سیستم حکومتی در برابر کل جریانات سیاسی ، از ایس
 " اعمال و رفتار " نتیجه گیری نموده و تعیین کنیم که
 در چنین شرایطی در کردستان چه خط مشی ای را دنبال
 نموده و اصولاً چه باید کرد ؟ آری ، درست در همینجا
 دیوار عظیم ناسیونالیسم که رفقای نویسنده ما را در
 چهارحوضه کردستان محبوس ساخته است ، مانع از آن می -
 گردد که آنها بتوانند برداشتهای درست خود را از کردستان
 با تحلیل علمی از بافت اقتصادی - اجتماعی مینمایان
 که کردستان جزئی از آنست و کل مبارزهای که در سطح
 کشور جریان دارد ، بیرون داده و به دید درستی از
 " اوضاع کلی ایران " رسیده و با حرکت از همین دید
 سیاسی اوضاع کردستان را بعنوان جزئی از اوضاع کلی
 ایران بررسی نموده و ساست و برنامه عمل خود را بر
 این مبنا قرار دهند .
 حاصل کار چنانکه در قسمت پیشین نقدگفتم ، است
 که نویسندگان جزوه به ورطه فرمیسم و تسلیم طلبی
 در می غلطند و خود را به ارائه طرحی ، بعنوان تنها
 راه حل علمی و عملی مسائل و معضلات کردستان که اجرای
 آن در شرایط حاضر " مقدور و ممکن " است ، راضی
 می گردانند و " امیدوار می شوند که با همکاری و
 مشارکت همه نیروهای آزاده خواه ، بتوانند در راه تحقق
 آن مبارزه کنند و آنرا بشمر برسانند " . و این به
 تمر رسیدن بدین گونه است که " باید های نویسندگان
 جزوه خطا به " انقلاب ، قانون اساسی و دولت " ،
 بشنونه مادی پیدا نموده و " دولسايران " مجبور
 گردد طرح خود مختاری را " قبول کرده و قانون اساسی
 ایران را بر مبنای قبول این حقیقت تهیه و تدوین
 کند " . (ص ۱۶) و در ضمن آنرا " راهنمای تمام بر نامه
 ها و سیاست های اجرایی " خود قرار دهند . بدین
 ترتیب نویسندگان شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان
 علاوه بر اینکه :
 - ماهیت طبقاتی دولت ، خط سیر آینده آن و ناتوانی
 اش را در تحقق خود مختاری واقعی ، به توده های کرد

ادامه از صفحه ۸
 ناخالصی ها و عناصر ناسالم غریبه پذیرتر و قابل
 نفوذتر باشد . بر همین اساس است که نفوذ " روحانی
 شهرکی " ساواکی را در تشکیلانشان بعد از یک مقدمه
 اندر قدم و مصیبت های حزب تکفلی آور نمیداند ، سهل
 است و حتی تلویحاً دلپلی بر آبدیدگی و مبارزه جوئی
 حزب تعلق میکنند . اما رفع " اتهام " حزب - سوده و
 توجیه عملکردش هنوز بایان نیافته و استدلال های
 (حزب توده ای) دیگری در دنبال است . اطلاعیه ادامہ
 میدهد : " سوره اگر در نظر بگیرم که درس نامرد
 های برخی دیگر از احزاب و گروهها بر افراد سکوکوی
 وجود داشته اند " . وجود ساواکی در حزب تکفلی آور
 نیست ، اولاً سلسل قدمت و آبدیدگی حزب ، ثانیاً سلسل
 است که در نامزدهای احزاب دیگر نیز افراد مشکوک
 وجود داشته اند !! درست است خلی وقبحانه است و لسی
 ار گردانندگان و رهبران حزب توده جز این انتظار
 نمورد . خوب توجه کنند . وجود یک ساواکی در یک حزب
 مبارز آبدیده جای تکفلی نیست سوبزه آنکه سدا نیم در بین
 نامزدهای احزاب دیگر هم افراد مشکوک وجود داشته اند .
 واقعا که چنین تهراتی فقط از سران حزب توده فاسل
 انتظار است . آخراً ساواکی بودن و مشکوک بودن نامزدهای
 احزاب دیگر (کدام نامزدها ؟ از کدام احزاب ؟) کجایش
 پاک کننده مسئول ساواکی شما و حزب ساواک زده شما
 میتواند باشد ؟ اینان بعد از ارائه این دلالت
 مشتعلتان داسر بر سگناهی و اهورا مردائی شان و آسوده
 کردن " وجدانهای آزاده شان " برای انحراف ذهن خواننده
 است یک رست مسخره دولت صدرمد انقلابی سان را مورد
 انتقاد قرار میدهند که چرا دولت - دولتی که معتمد
 است ساواکی ها هم نقش مشتکی را در انقلاب ایفا
 نمودند (*) - برونده " ساواکی ها را رونمی کند و بدین
 ترتیب به حزب کارگرمته و دندادهای که سلسل همین
 کارگرمته و دنیادیدگی اش وجود " ساواک زده " هادر
 سگرس سگنی آور نیست ، کف نمکنند که این موجودات
 به حرسان گردند و آسیبی نرسانند ...

(*) - " احرا اسادی که در ساواک سدا کردم بر -
 حوردم به اسکه در آن دستگاه هم به سوسه های
 ناراضی و اعتراض و اعلامیه های وجود داسه و آنها
 هم کلا ماسر بودند ارایین ساسامد (سسی ار انقلاب)
 و ساسسک انقلابی حتی در اغماق ساواک (و حتما
 توسط ساواکی های املاسی !!) و آن سمت های که
 کار سکه و نارحوی و ساس مسعم سا مردم ساسد
 در آحا هم پیدا سده بود " . (نام تلویزیونی
 نارگان ، کنهان ۵۸/۲/۵)

توطئه ارتجاع در کامیاران

دسته ای از گروه توحیدی صف که چندی پیش عازم
 کردستان شده بود ، سراز رسیدن به کامیاران ، همراه
 با طرفداران مفتی زاده ، تظا هراتی ترتیب داده اند .
 این تظا هرات بر علیه عزالدین حسینی صورت گرفته است ،
 مردم سراز و انقلابی کامیاران بلافاصله در مقابل
 این توطئه چینی عکس العمل نشان داده به مرتجعین حمله
 می برند ، در مقابل آنها از سلاح استفاده می کنند
 ولی با محاصره مردم روبرو شده و خلق سلاح می گردند .
 بدینال این توطئه چینی گروه توحیدی صف و مفتی زاده ،
 اوضاع در منطقه بندهت وخیم شده است .

توضیح و تصحیح

در سگار شماره ۱۳ و ۱۴ در گزارش کیکلیویه
 و بویر احمد گفته شده است که فئودالها و خانها فیل
 از قسام بهمین ، مسلحانه به مقابل با مردم برخاستند
 که صحیح آن اینست : در تادار سرکوب مسلحانه مردم
 بودند .
 همچنین در پیکار شماره ۱۴ و سازه هم در گزارش
 کیکلیویه و بویر احمد از ملک حسینی رئیس کمیته
 بعنوان فردی از طائفه قائد گوی نام برده شده ، در
 حالیکه شخص مزبور از طایفه ساداب است .

احتکار کنندگان را بلافاصله به دادگاه معرفی کنند .
 آری ، موج عظیم حرکت بارهنگان و زحمتکشان آنها را به
 عقبارنده بود .
 بدینال تظا هرات تبریز ، در شهرهای دیگری نسز
 از جمله بناب و اردبیل تظا هرات مشابهی صورت گرفت .
 که در سنا جوان ۱۸ ساله ای در جریان تظا هرات بدست
 افراد کسمته وقتا ، سد .

چرا کتابفروشیها را میسوزانند؟

بعد از آتش زدن کتابفروشی ۱۷ شهریور در
 شوشتر توسط ارتجاع و ضد انقلاب اعلامیه افشاگرانهای
 از طرف " طرفداران آزادی طیفه کارگر " - شوشتر -
 انتشار یافت که سخی از آنرا در زیر ملاحظه می کنید :
 راستی چرا کتابفروشی ها را می سوزانند ؟
 راستی چه کما دشمن گاهی توده های میلیونی زحمتکشان هستند ؟
 " چه کسانی نفعشان در جهل و بی خبری و از ساست
 بیگانه شدن توده های خلق و در نهایت چه کسانی مخالف
 شرکت فعال زحمتکشان در امور مربوط به خودشانند ؟
 پاسخ بسیار روشن است :

خواستاران اعدام گل سرخی ، کاندیدای مجلس خبرگان

دکتر مهدی گلایی فرماندار تبریز و همچنین دکتر
 نیشابوری که از طرف برخی از جمعیت ها و گروهها و
 احزاب اسلامی بعنوان کاندیدای مجلس خبرگان نامزد
 شدند دو تن از اسناد دانشگاه تبریز هستند که پای
 استعدا نامه ای را که شورای دانشگاه سمناسیست
 باصلاح توطئه سر علیه خاندان سلطنت ، به " پیشگاه
 سمارک " ارسال داشتند امضاء کرده اند . در ایس
 استعدا نامه استعدا شده است که " توطئه گران سه
 ادب محازات کفر با بند " و هم می دانم که " توطئه
 گران " کسانی جز گل سرخی و دانشیان ، اسر زندان
 راستین خلق نبودند .
 (فتو کپی استعدا نامه شورا با امضای مهدی گلایی و
 نیشابوری در زیر آن در کنارا مفاهای دیگر موجود است)

شورش ...

ادامه از صفحه ۴
 کمونستی جهت حمله را از سیستم سرمایه داری سر -
 گردانند . آنها همچنین توده ها را نهدند کردند کسه
 اخلاکوری شان بی محازات نخواهد ماند . آنها بی برنامه
 می گفتند عده ای از دستگیرندگان تبریزی و آذربایجانی
 نبودند ! (آدم یاد آن باوه های مجلس سنبان دوران
 شاه می افتد که می گفتند عاملین قیام ۲۹ سمن تبریز
 آذربایجانی نبودند و از خارج مرز آمده بودند !!) آنها
 سعی کردند با ساید های مختلف جلو اقدامات انقلابی
 توده ها را بگیرند و ... از طرف دیگر خود کمیته های
 ... پس از عقب نشینی در مقابل زحمتکشان شروع سه
 فروش مستقیم میوه و غیره در محلات به مردم کردند که
 به املاط خود را موافق با خواسته های مردم نشان دهند .
 دادستان انقلاب اسلامی تبریز نیز به با سداران
 توحیدی تبریز موقتاً نمایندگان داد تا گانف هاشانه

خبری از کارخانه ایرانا

براه افتادند و در آنجا با مسئولین کارخانه راجع به کم بودن حق مسکن و حق خواربار صحبت کردند . که با قول مسئولین و نمایندگان کارگران مبنی بر زیاد شدن حق مسکن به سر کار خود بازگشتند . بدنبال این حرمانات نمایندگان به کارگران گفتند که حق مسکن از ۳۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان و حق خواربار از ۸۰ تومان به ۱۵۰ تومان افزایش یافته است .

تا قبل از روی کار آمدن دولت بازرگان کار در کارخانه ایرانا بصورت دوشیفتی انجام میگرفت . با روی کار آمدن دولت بازرگان و انحلال تشکیلات طغوسی و انتخاب نمایندگان موقت کارگران (لیسته انتخاباتی بصورت تشریفاتی انجام گرفته بود) ، نمایندگان موقت بیک خواست ۱۴ مادهای تنظیم نمودند که یکی از آنها عبارت بود از : تقلیل ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت با احتساب حقوق و مزایای همان ۱۲ ساعت . که مورد قبول مسئولین کارخانه قرار گرفت .

و یکی هم خواستن حق مسکن و حق خواربار بود که قرار شد به کارگران متاهل ۳۰۰ تومان حق مسکن و ۸۰ تومان هم حق خواربار بدهند .

ولی کارگران تنبده بودند که گویا حق مسکن در بعضی کارخانهها ۵۰۰ تومان است . زرمههایی در مورد کم بودن حق مسکن کارخانه شنیده میشد ، تا اینکه در تاریخ ۴/۱۵ (روزی که قبض حق مسکن و حق خواربار را دست کارگران دادند) موج اعتراضی در کارخانه سراه افتاد و بیشتر کارگران از کم بودن حق مسکن و حق خواربار ناراحت بودند . و به این خاطر هدای از کارگران در دستههای (۱۵-۱۰) نفری بطرف کارگزینی

جاسوسان کارفرما

در جستجوی کارگران مبارز

بدنبال انتشار نشره "سکان" از طرف گروهی از کارگران مبارز کارخانه ایران ناسونیا ل تمام عوامل کارفرما (جاسوسان ، سررستان و ۵۰۰۰) مسح شدهاند تا انتشار دهندگان این نشره کارگری را پیدا کنند . مستحوی عاملین و مزدوران کارفرما ؛ که استک دولت است - آخر کارخانه ایران ناسونیا ل جزو " ملی " شده هاست) بر شدت حواسشنی حاکم بر کارخانه افزوده است . که شاید بتوان آنرا از نتایج مفید ملی شدن به سک دولس عوفت و صد در صد " انقلابی " دانست .

مبارزات پرشکوه کارگران ایران ناسیونال بر علیه آئین نامه انضباطی ضد کارگری و کمیته مستقر در کارخانه

ضمیمه
نشریه
سکان

در تاریخ ۵۸/۵/۱۶ کارگران قسمت شمال کارخانه با خواندن آئین نامه انضباطی که در حقیقت از آئین نامه دوران طاغوتی هم صد کارگری تر بود ، دور هم جمع شدند . در این آئین نامه آمده است که :
۱- اگر کارگری نکامت دیر بر کار بماند نه تنها دو برابر جریمه میشود بلکه در پرونده اش قید میشود .
۲- چنانکه کارگری بک روز بعلت گرفتاری زندگینی نتوانست به سرکار بیاید ، دوزخ جریمه خواهد شد .
تنبیها ت دیگری نیز در نظر گرفته شده ، از جمله چنانکه کارگری بخواهد به توالی برود حتما باید از سرپرست اجازه بگیرد و مادهای دیگری که بی نهایت ضد کارگری و به نفع سرمایه داران در این آئین نامه قید شده است .
ما کارگران سالن ۳۰۹ ، با خواندن این آئین نامه ضد کارگری که در شش صفحه نوشته و در نابلو نصب شده بود به ختم آمده و با نیروی آئین تابلو را از جا کنده و بدون کشیده و با اتحاد عمیق که بسن ما بود از سالن ۳۰۹ به سایر قسمتها برآه افتادیم و با شعار مرگ بر سندیگای قلبی و مرگ بر کمیته که حامی سرمایه داران است و مرگ بر ملیجی ، به راهپیمائی ادامه دادیم . در بین راه کمیته مستقر در کارخانه طلوی راهپیمائی را گرفته و به ما حمله کرد ، چند کارگر را ما موران کمیته زیر چک و لگد گرفتند و سین شروع به تیراندازی کردند . طبق گفته یکی از ساهدان عینی یکی از برادران کارگر زخمی میشود . یک کارگر مبارز پیراهن خود را درآورده و سینه خود را جلوی تفنگ کمیته چپا گرفته ، میگفت : " بکش ما نمی ترسیم " . کارگران که با دیدن وضع خشمگین شده بودند - به افراد کمیته حمله میکنند . افراد کمیته از کارخانه فرار میکنند و اسلحه بدست کارگران می افتند . کارگران با مشت های گره کرده فریاد می زدند : " ما سندیگای قلبی نمی خواهیم ، ما کمیته ضد کارگران نمی خواهیم ،

ما آئین نامه ضد کارگری نمی خواهیم ، ما خواستار اضافه حقوق هستیم . " .
کارگران خواستار بازگشت نماینده اخراجی خود از سندیکا شده و همه بگمدا می گفتند : " چرا نماینده انتخابی ما را از سندیکا اخراج کردید بدون اینکه ما کارگران در میان بگذارید . " فردای آنروز در ساعت ۱۲ ظهر کارگران را در استودیوم ورزشی کارخانه جمع کردند و یکی از نمایندگان سندیکا و دو نفر روحانی و یکوا ز نمایندگان کارفرما برای ما کارگران سخن رانی کردند ، یکی از آقایان که نماینده دادستان انقلاب بود در سخنرانش گفت : " چنانچه بخواهید شلونی برآه . " ندازید و با اعتصاب راه ببندازید شمارا تنبیه می کنیم . مثل کارگران اهواز و آبادان . " این شخص که خودش می منافع سرمایه داران است فکر می کند مستوانه با این صحبتها مثل یک برده زندگیک کنیم ، ما حاضر نیستیم زیر بار ظلم شما سرمایه داران که بجز استثمار انسان از انسان کار دیگری ندارید برویم و همانطور که در حرکت دسروزمان به شما نشان دادیم و در آینده هم نشان خواهیم داد به مبارزه خود برای گرفتن حق مان و برای از بین بردن سرمایه داران زالو صفت بیه مبارزه خود تا آخرین نفس ادامه خواهیم داد .

مرگ بر کمیته ضد کارگر کارخانه
مرگ بر نمائنده دادستان که می خواهد با چاق جواب خواست ما را بدهد

بازداشت وابستگان رژیم شاه توسط کارکنان شرکت سد ایران

کارگران اجازه نمیدهند سرسپردگان رژیم شاه بر سرفروشت آنان حاکم باشند

خائن بوده است و مهندس جلالی که قبلا رئیس کارخانه سیمان آبیگ قزوین و از عناصر ضد کارگر بوده و توسط کارگران از کارخانه اخراج شده بود و اکنون نماینده بنیاد طلوی هستند " ایشان " در زمان شاه ممتخر " به گرفتن " مدال شامه شاهی " شده اند . محمود جتیبی دهقان قائم مقام مدیر عامل که نماینده و حافظ منافع سرمایه داران در شرکت سد ایران می باشند . نمایندگان کارکنان شرکت در تهران جلسه ای با حضور هیئت مدیره شرکت و مقامات شرکت نفت ترتیب دادند که چون این مذاکرات نتیجه ای نداشت از این رو قرار شد هیئت مدیره به اهواز آمده و با کارگران بیه صحبت بنشینند . در روز سه شنبه ۱۶ مرداد ۵۸ جلسهای

بدنبال سسته شدن اکثر شرکت های حفاری در خوزستان و بیکار شدن کارگران ، طبق شواهد و مدارکی که وجود دارد ، شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد که تعداد شرکت های از چاههای شرکت حفاری سد ایران را که پیمانکار شرکت نفت می باشد ، تعطیل کند . بدین ترتیب خطر اخراج و بیکاری حدود ۲ هزار کارگر کارمند شرکت مذکور وجود دارد . بدنبال این خبر کارکنان شرکت سد ایران تصمیم گرفتند نمایندگانی از بین خود انتخاب و به تهران بفرستند . تا با هیئت مدیره شرکت مذاکره کنند . گفتنی است که سوابق مقامات مربوطه شرکت شرح زیر است : رئیس هیئت مدیره این شرکت کتر صد رکه در

اخبار کارگری

کارگران جنرال موتورز:

«ما چهل ساعت کار در هفته را به دولت تحمیل می کنیم»

روز ۵۸/۵/۱۷ از وقتکه کارگران با به کارخانه گذاشتند محمت و جت را حول ۴۰ ساعت کار در هفته آغاز کردند . زیرا که دولت روز قبل ۴۰ ساعت کار در هفته را تکذیب کرده بود و بر روی ۴۸ ساعت کار در هفته تاکید نموده بود . کارگران در هر جا که نمایندگان شورا را می دیدند دورش را گرفته و از او می خواستند که شورا اعلام کند که کارخانه بیش از ۴۰ ساعت در هفته کار نخواهد کرد . نمایندگان هم در پاسخ می گفتند این مسئله مربوط به کارخانه نیست و به دولت مربوط است . یکی از کارگران می گفت : " ما ساعت دولت گدس را در آورد اگر دولت خواست ما ۴۰ ساعت کار در هفته را پس نحمل می کنیم " کارگر دیگری می گفت : " وقتی مسئله کار به ما می آید کارگر بدست داد ساریگی کند " ، کارگری می گفت : " ما همیشه دیگه ، آدم این حیرا رو می سنه که می گمسه سرمایه کمونست ها حوسه " . اعتراضات کارگران در همین حد باقی ماند ولی بنظر میرسد که آنها تصمیم دارند در مقابل ۴۸ ساعت کار ایستادگی کنند .

دستگیری سه نماینده کارکنان ایران ترمینال (خرمشهر)

بدنبال دستگیری سه تن از نمایندگان کارکنان شرکت ایرا ترمینال اطلاعیه ای از جانب سندیکای این موسسه بشرح زیر انتشار یافته است :
سندین وسیله به اطلاع کلیه هوطنان مبارز می رسانیم که در روز جمعه مورخه ۵۸/۵/۱۲ سه نفر از نمایندگان شرکت بنام های حسین کبب اللهی عبدالنبی دری و محمد حاتمی رابه اتهام واهی و بی اساس خرابکاری و فد انقلابی بودن در رابطه بودن با جریانات انتخابات و رای گیری حوزه مستقر در اداره یکم دستگیر و روانه زندان نمودند از آنجا که این توطئه های از پیش طرح شده و ردلسنه دنباله یک سلسله عمل های پاره ای عناصر مترجم و معلوم الحال در باره اقدامات اصولی و مترقیانه نمایندگان در ارتباط با خواستها و مسائل رفاهی که ما ۱۷۰۰ نفر زحمتکشان ایران ترمینال می باشیم و عاملین این نفسهای حساب شده برای ما افراد از پیش شناخته شده اند اقدام غیر انسانی و مرتجعانه این گروه را که باعث دستگیری و زندانی شدن و در نهایت امر موجب اعتصاب غذای نامحدود نمایندگان ما از صبح شنبه مورخه ۵۸/۵/۱۳ شده اند بشدت محکوم نموده و عاجلانه خواستار محاکمه و مجازات عاملین و آزادی بی قید و شرط نمایندگان خود می باشیم و به آنان هشدار می دهیم که هر گونه کم کاری و ... که در آینده در رابطه با این موضوع صورت گیرد مسئولیت آن مستقیما بمعده این قبطیهای اعمال زور و فشار ما باشد .

سندیگای کارکنان شرکت ایران ترمینال مبارزه کارگران برای آزادی رفقایشان ادامه دارد .
۵۸/۵/۱۴

تشکیل شد . ابتدا نمایندگان گزارشی داده و بعد تنی چند از کارکنان در مورد ماهیت هیئت مدیره و وابستگی آنها به امپریالیسم آمریکا و خیانتهای آنها صحبت کردند و در آخر تصمیم بر آن شده که این هیئت مدیره را در محل شرکت بازداشت کنند ، تا تکلیف شرکت و کارکنان آن که در معرض خطر بیکاری هستند تا هفت ماه شهریور که با یستی قرارداد تجدید گردد مشخص شود . بدین ترتیب هیئت مدیره شرکت از روز سه شنبه در محل شرکت تحت نظر کارکنان بازداشت شده اند که البته یکی از آنها بنام مهندس جلالی از غفلت نگهبانان استفاده کرده و به تهران گریخته است . مدنی استنادر خوزستان نمایندگان کارکنان را تحت فشار قرار داد ماستکه باید افراد را آزاد کند ولی جواب کارکنان شرکت نه بوده است . مدنی حتی کارکنان را تهدید کرده که پاس داران را به شرکت می آورم و آنها را آزاد میکنم . ولی مدنی باید بداند که اگر پاسدارها بخواهند برای نجات این عوامل رژیم سابق اقدام میکنند ، کارکنان غمناک ، شکست خورده

شورای اسلامی جنرال موتورز طرفدار کیست؟

روز چهارشنبه هفتاد هم مرداد به دعوت عده ای از کارمندان، جلسه‌ای با شرکت کارکنان کارخانه و همچنین اعضای شورای اسلامی تشکیل شد. کارکنان به طرح جدید شورا برای تغییر و تحول در سطح مدیران و ارتقاء مقام عده‌ای عناصر ضد کارگر بشدت اعتراض داشتند. حاضرین در جلسه حواس‌تار قطع ارتباط با آمریکا و پس گرفتن اتومبیل‌هایی که به مدبران داده شده و مهمتر از همه کنترس کارکنان بر نمایندگان شورا بودند. لکن از آنجا که نماینده شورا از زیر پا پاسخ‌گویی شانه‌حالی میکرد و بیشتر از کارفرما طرفداری مینمود، حاضرین بعنوان اعتراض جلسه را ترک کردند. بعد از اتمام جلسه مدیریت کارخانه چند نفر از کارمندان و کارگران معترض را احضار نموده و تهدید به اخراج کرد.

تحصین کارگران قالیباف

کارگران قالیباف شرکت سیما می‌فرش سبز که ۲۳ نفرند، بدنال برآورده شدن خواسته‌شان که مهم‌ترین آن روزمزد شدن می‌باشد از روز ۵۸/۵/۱۸ در محل کارگاه متحمن شده‌اند. آنها طی اعلامیه‌ای از کلیه نیروهای انقلابی تقاضای پشتیبانی نموده‌اند. (مشروح خبر را در شماره آینده یکار بخوانید)

چند خبر کوتاه از مبارزه کارگران معادن کرمان

کارگران ۵۸/۵/۲۲ تونل هجدک بعنوان اعتراض به نامتناسب بودن افزایش حقوقها سرکار نمیروند. بدین ترتیب که سرابط دشوارکار در افزایش دستمزدها رعایت نشده در مورد کارگران با سابقه حتی کاهش مزد هم وجود داشته است.

کرمان - ۵۸/۵/۲۳ - کارگران اشکلی سرکار نمیروند (بنابند لایل بالا) در ۵/۲۴ رئیس منطقه باب بیرو پیمان اسکندری که در صد کارگر بودن حرفی نیست از یک آخوند پیمان انصاری برای خواباندن اعتراض کمک میگیرد و این آخوند مرتجعاً قریب کاری‌های مختلف اعتراض کارگران را شکسته است و قرار شده که دوتنفر از بین این کارگران بعنوان نماینده جهت مذاکره و رسیدن به تفاهم به پیش مدیر عامل بروند.

بافق: باران پیرزاده یکی از کارگران اهل بتجان بافق در اثر ریزش کارگاه استخراج دغال، نخاعش قطع شده و در اثر بودن کادر پزشکی متخصص در منطقه به کرمان اعزام میشود و در بیمارستان میمیرد. این فرد ده فرزند داشته.

ادامه از صفحه ۱۲ در هفته‌ای ...

کمی با آنهمه خسارت بقول خودش ۲۰ ساله، را آزاد میکنند؟ آنا علت این رسوایی در تفاوت را نباید در همان معجزه لباس است؟

وقتی پای تعرفه‌افز خودتان و "جمهوری اسلامی" برسد ما متعجبانه در اینکه "بهرتری فقط بر اساس تقواست" و "هیچ تبعیضی بین عرب و عجم و سباه و سفیدنست" داد سخن میدهند اما عملتان چطور؟! شما بین عرب و عجم و سباه و سفید که هیچ، بشکستان، سن معصم و غیر معصم، بین زحمتکش مسلمان و غیرمسلمان، بین معمار مسلمان و غیر مسلمان، بین شهید مسلمان و غیر مسلمان، بین شکنجه‌نده مسلمان و غیرمسلمان، بین سیماران و فقرای مسلمان و غیر مسلمان، بین هموطن مسلمان و غیرمسلمان و ... و بالاخره حتی بین خائسان مسلمان و غیرمسلمان فرق و تبعیضی قائلند.

آیا بهتر نیست ترک و راست، همانطور که منگوتید در تقدس مالکیت جای هیچ شکی نیست، بگوئید: "مسواوت بی مساوات، تبعیضی مسلک ما است؟!"

هواداران وهموطنان مبارز!

کمک‌های مالی شما تنها منبع تأمین کننده نیازهای مادی ما است. با کمک‌های مالی خود، ما را در مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی و ضد استثمار یاری رسانید.

حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران، تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیرآباد جنوبی سابق) در وجه مرتضی آلادپوش

کلیه کارگران پیمانی تاریخی شدن از مبارزه باز نخواهند ایستاد

در تاریخ ۴/۲۷ کارگران حمل و نقل مسجد سلیمان (پیمانکار آن شخصی است به نام مستوفی و جزء فرا-ماسونرها بوده و بعد از قیام به انگلستان گریخته است) به اعتصاب سراسری کارگران حمل و نقل می-پیوندند که بعد از چندین سخنرانی و بارها تهدید به اخراج بالاخره در مورخه ۵/۲۷ قرار بر این شد که مدرس عامل شرکت نفت (نزیه) تا قبل از ۵/۲۰ برای رسیدگی به کارگران پیمانی شرکت نفت به خوزستان خواهد آمد و کارگران هم به امید اینکه وقتی نزیه به خوزستان بیاید حتماً به کارشان رسیدگی خواهد کرد، اعتصاب خود را شکستند.

در تاریخ ۵/۲ بقیه کارگران پیمانی مسنهای مستغلات-حفاظت-ناغبانی و ... دست به اعتصاب و تحن در اداره مرکزی شرکت نفت زدند و خواسته‌های خود را مطرح کردند.

۱- هر چه زودتر رسمی شود (بطور طبیعی مزایایی مانند اضافه حقوق - تهیه مسکن و ... را دنبال دارد).

۲- روسای مزدور و معلوم الحالی که در گذشته با رژیم شاه زد و ستد داشتند برکنار شوند

۳- همگی پیمانکاران شرکت نفت اخراج شده و دست آنها از سر کارگران کوتاه شود.

۴- اصل قراردادهای شرکت نفت با پیمانکاران به دادگاه برده شود تا زود بندهای مسئولین برای بالا کشیدن حق ما کارگران بر ملا شده و ما بتوانیم حقمان را دریافت داریم.

سرانجام در مورخه ۵/۲ توافقنامه‌ای بین کارگران و روسای شرکت نفت در منطقه مسجد سلیمان بعمل آمده که بشرح زیر می‌باشد:

۱- کلیه قراردادهای شرکت نفت در آن گنجانیده است حقوق و مزایای کارگران را پس از کسر سیمه ۷٪ از خود کارگر و ۲۰٪ از کل قرار داد کسر و بقیه را بد کارگر باز گردانند.

۲- لباس کار و ابزار کار - و ماشین آلات به عهده خود شرکت نفت می‌باشد.

۳- حقوق خرداد و تیر ۵۸ را مطابق بر مبنای ۲ ماه فروردین و اردیبهشت ۵۸ پرداخت نمایند. آنهم از طریق حسابداری شرکت نفت، بعنوان مساعده تا تکلیف آنها مشخص گردد.

۴- هر چه مزایا از اول فروردین ۵۸ به کارگران مزد ارفاق شده بما کارگرانی که مشابه آنان هستند پرداخت گردد.

۵- روزهای پنجشنبه طبق سایر کارگران در سطح کشور با ما رفتار شود. عدا از کسر بیمه ۲۷٪ بکلی و شدیدا اعتسراش داریم.

۶- هیچگونه رابطه‌ای بین پیمانکار و واسطه بین کارگران و شرکت نفت از اول فروردین ۵۸ وجود نداشته باشد این صورتجلسه لازم و قابل احرا می‌باشد و تا رسمی شدن کارگران به قوت خود باقیست ولی از آنجا که دولت ماهیتی ضد کارگری دارد

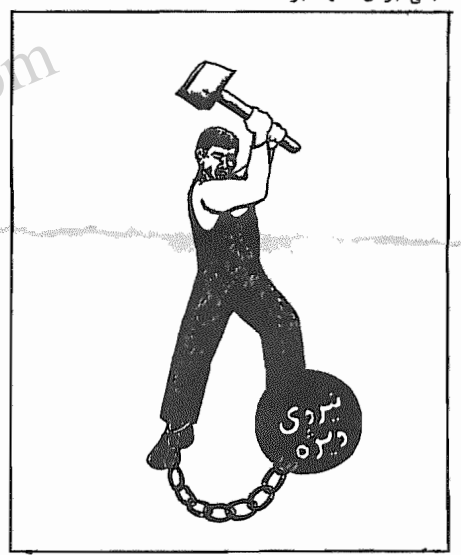
و نه می‌خواهد و نه می‌تواند حقوق کارگران را نامین و حامی زحمتکشان جامعه باشد و علاوه بر آن حتی در روز اعتصاب رانندگان پیمانی مسجد سلیمان دیدیم که چگونه افراد مسلح کیمته‌ها جلو در گساراز شرکت نفت مسجد سلیمان مستقر شده بودند. و از سوی دیگر آیا کارگری که سالها در خدمت شرکت نفت کار کرده و عمر خود را تلف نموده چه بهانه‌ای می‌تواند مانع رسمی شدنش گردد. جز پیوند نامقدس عناصر مزدور و باقیمانده در راس ادارات شرکت نفت با مقامات ضد کارگری دولت کنونی.

"بریده باد دست پیمانکاران و تمام عناصر مسزودر شرکت نفت از سر کارگران پیمانی"

"بسیروز بساد اتحاد کارگران ایران"

"طرفداران طبقه کارگر مسجد سلیمان"

در حالی که کلیه کارگران پیمانی بشدت بوسیله این پیمانکاران زالو صفت استثمار می‌شوند، دولت انقلابی!! به خواسته برحق کارگران پیمانی یعنی "رسمی شدن" هیچگونه توجهی ندارد و حاضر نیست که دست پیمانکاران کنیب و زالو صفت را از سر کارگران پیمانی، قطع کند. چرا که خصلت ضد کارگریشان به آنها اجازه نمی‌دهد و با رسمی شدن کارگران دیگر نمی‌توانند هر وقت که منافع خود را در خطر دیدند بدون هیچگونه دلیلی کارگران را اخراج کنند (در مورخه ۴/۱ ۵۸، ۱۱ نفر از کارگران پیمانی را اخراج کردند). مسجد سلیمان دارای ۸۰۰ نفر کارگر پیمانی و ایسته به شرکت نفت است که بشدت مورد ظلم و حسی - کشی از طرف پیمانکاران حبیله گر و مقامات شرکت نفت قرار گرفته‌اند. چرا که این کارگران بعد از ۲۵ سال سابقه کار و پرداخت سیمه، روزانه ۲۹۹ ریال حقوق می‌گیرند و از حداقل وسایل رفاهی مانند خانه و ... برخوردار نیستند. پس از بارها نامه برآکتی به دولت و مقامات شرکت نفت، کارگران مستغلات - حفاظت تنظیمات و ... کار به استخوانشان رسد و به همین جهت در نستنی که در تاریخ ۱۲/۱۹/۵۷ داشتند بخاطر اعتراض علیه پیمانکاران حبله‌گر اعلام داشتند که از اول فروردین از گرفتن حقوق و نیز از اجرای دستور - العمل شغلی پیمانکاران خودداری خواهند نمود و این کارشان تا اول خرداد نیز ادامه داشت. تا اینکه صبرشان را به کسانی که می‌گویند صبر انقلابی داشته باشند!! نشان بدهند، ولی آیا آن مقامات گمگام مثبتی برای آنها برداشتند؟



بعد از چند ماه نگرستن حقوق و چند بار مراجعه به تهران و قسم موافقت شد که کل حقوقی را که شرکت نفت بحساب کارگران واریز می‌کند منهای ۲۲٪ به آنها پرداخت نمایند. (شرکت نفت ۶۰۷ ریال به حساب کارگران واریز می‌کند) ولی در تیر ماه که کارگران برای گرفتن همین حقوق ناچیز به حسابداری مراجعه می‌کنند، جواب می‌شوند که باید همان ۲۷۹ ریال را دریافت کنید تا اینکه حکم رسمی شدن شما را بدهند. در همین موقع کارگران به خشم آمده و تصمیم گرفتند که در همان روز بوسیله اعتصاب و تحن قدرت شان را به این کارفرمایان و مقامات شرکت نفت که در راهشان کارشکنی می‌کنند، نشان دهند. ولی بعلاست اینکه عده‌ای از نمایندگان آنها از طرف پیمانکار پولی بیشتر از ۲۷۹ ریال دریافت می‌کنند، در صد بر می‌آیند که به هرنحوی که شده جلوی این کارگران را بگیرند. و موفق هم شدند، ولی آخر مگر پیمانکار و عوامل مزدورشان تا کی می‌توانند جلوی حرکت کارگران را بگیرند؟ کارگران در مورخه ۴/۱۷/۵۸ عده‌ای از نمایندگان خود را به تهران و قم فرستادند (عوامل خود فروخته‌ای در بین همین نمایندگان می‌باشند) و بعد از کلی دوندگی و رجوع به نزیه و امام خمینی و ... دستور پرداخت حقوق کارگران را بدون کسر مالیات دادند و نیز قول دادند که آنها رسمی شوند.

نان، مسکن، آزادی

در اعلامیه پس از اشاره به ۲۸ مرداد
و قیام بهمن ماه چنین آمده است :

قسمتهائی از اعلامیه کمیته خوزستان بمناسبت سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان

فاجعه سینما رکس ، توطئه کثیف امپریالیسم آمریکا

بعد از قیام بهمن ماه ، خانواده های شهدای سینما رکس و سایر هموطنان خوارستار دستگیری ، محاکمه علنی و مجازات عاملین کثیف این جنایت و افشای عاملین اصلی آن یعنی کارشناسان آمریکائی از طرف دولت موقت بوده و هستند . مردم منتظر داشتند که دولت موقت خود پیش قدم شده و اسرار این جنایت بی شرمانه را برای توده های مردم فاش کند . اما دولت موقت نه تنها تاکنون کوچکترین قدمی در این جهت بر نداشته است بلکه خانواده های داغدار شهدا را که خواستار مجازات عاملین جنایت هستند مورد اتهامات ناروا قرار میدهد .

ما ضمن اعلام پشتیبانی کامل خود از این خواسته بحق خانواده شهدا و تمامی خلقهای ایران و ضمن اینکه مصرا نه میخواستیم که باین خواست بر حق پاسخ مثبت داده شود ، اما در عین حال معتقدیم که :

اولا از دولت موقت انتظار این ساله را داشتن کسه بتواند کیندن اصلی این جنایت را افشاء و با محاکمه و مجازات سبب امری بهبوده است . چون دولتی که در طول ۶ ماه بعد از قیام بهمن ماه هیچگونه اقدام قاطعی در جهت نابودی حاکمیت امپریالیستها و راس آن امپریالیسم آمریکا که مسبب اصلی این جنایت است ، نکرده است ، دولتی که خود صحنه گردان فاجعه های بیمراتب جانگذاز - تر از فاجعه سینما رکس در نرده ، کنبند ، خرمشهر ، سندنج و ... بوده است ، دولتی که عاملین فقر و تیره روزی و کشتار و شکنجه توده های محروم و انقلابیون ایران رادسته دست از زندانها آزادی می کند و بجای آن زندانها را از پاک ترین انقلابیون این مرز و بوم چون محمد رضا سعادتى حامد شیانی ، رهبران انضباط قهرمانانه صنعت نفت و ... بر می کند ، مسلما نخواهد توانست باین خواست انقلابی پاسخ مثبت دهد .

ثانیا اگر هم دولت موقت بتواند باین درخواست پاسخ مثبت دهد ، اگر چه ظاهراً عاملین این جنایت به مجازات رسیده اند اما تا زمانی که با ریشه اصلی تمامی این جنایتها و توطئه های ضد انسانی یعنی امپریالیستها و راس آن امپریالیسم آمریکا مبارزه ای قاطع نشود و بساط حاکمیت شوم و سیاه آنان از سرتاسر خاک میهن مان برچیده نشود ، ما باز هم با فاجعه های نظیر فاجعه سینما رکس آبادان روبرو خواهیم بود و باز هم در گوشه و کنار میهنمان شاهدان خواهیم بود که فرزندان خلق بدست مزدوران آشکار و نهان امپریالیستهای غارتگر کشتار جمعی بشوند .

اساساً ماهیت امپریالیسم با غارتگری ، کشتار ، شکنجه ، اعدام و بی خانمان کردن توده های وسیع تحت ستم عجین شده است و مجبور است برای حفظ موقعیت ضد انسانی اش پیوسته توطئه کند ، فاجعه بیافریند ، دست بکشتار جمعی بزند و حتی کشورها را ویران کند . بنابراین خواسته اساسی و هدف اصلی ما را نه تنها مجازات عاملین جنایت بلکه برچیدن بساط شوم حاکمیت امپریالیستها و راس آنها امپریالیسم آمریکا ، باید تشکیل دهد . اما دولت موقت در این باره چه کرده است ؟ این دولت نه تنها تاکنون اقدام قاطعی در این جهت نکرده است بلکه بتدریج دارد جای پای امپریالیسم آمریکا را که در اثر مجازات دلاورانه خلقهایمان بشدت متزلزل شده بود ، از نو محکم می کند ؛ سخن از ایفای قرارداد های نظامی با آمریکا ، باز گرد آیدن جمعی مستشاران آمریکائی ، عدم لغو قرارداد نظامی ایران و آمریکا ، همکاری نزدیک با رژیم های مرتجع و ضد انقلابی منطقه چون پاکستان و عمان ... است . امپریالیسم آمریکا که بهمت خلق دلاورمان از در بیرون انداخته شده بود ، دارد از پنجره وارد می شود دستاورد های نسبی قیام قهرمانانه خلقهایمان در معرض

دستبرد و خطر جدی قرار دارد . بنابراین ما معتقدیم که سالگرد فاجعه سینما رکس و کودتای ننگین ۲۸ مرداد باید تبدیل به یک حرکت عمومی بر علیه امپریالیسم آمریکا شود . تنها با مبارزه قاطع و جدی بر علیه امپریالیسم ، و ایجاد ایرانی آزاد و مستقل خواهد بود که ما بار دیگر با توطئه های این چنین شوم و جانگذاز بر علیه خلقهایمان روبرو نخواهیم شد

هموطنان مبارز ، مردم مبارز آبادان ! ما بهمراهی تمامی خلقهای تحت ستم میهنمان و خانوادگان شهدا ، یاد شهدای سینما رکس و شهدای کودتای ننگین ۲۸ مرداد را گرامی میداریم و از تمامی خلقهای انقلابی و دوستان و هواداران سازمان دعوت می کنیم که در مراسم بزرگداشت یاد شهدای سینما رکس فعالانه شرکت کرده و با افشای توطئه های شوم امپریالیسم و عاشر ، نشان دهیم که مبارزه خلقهای ما در راه آرمانهای والای شهدایمان ، که همان قطع نفوذ و سلطه امپریالیستها و ایجاد ایرانی آزاد و مستقل است ، همچنان ادامه دارد و خلقهای ما تا نیل به پیروزی کامل از پای نخواهند نشست .

گرامی باد یاد شهدایمان بخون خفته خلق !
مرگ برای امپریالیسم آمریکا طراح اصلی توطئه سینما رکس !
مستحکم تر باد صفوف متحد خلقهای ایران در
مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم !

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
(کمیته خوزستان)
۱۳۵۸/۵/۲۳

در هفته ای که گذشت

ضد امپریالیسم یا ضد کمونیسم

روز قدس ، یار دیگر شاهد یکی از عظیم ترین راهپیمائی های سدهای ما بودیم که تنها می توان آنرا با راهپیمائی روزهای تا سوما و عا شورای سال گذشته مقایسه نمود . موج جمعیت همچون رود خروشان از گوشه و کنار تهران سمت دانشگاه سرازمیر میشد ، دریا آنجا بود ، دریا جمعیت .

توده های میلیونی یار دیگر خشم و نفرت خود را به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بگوش جهان رسانند . تظاهرات روز قدس نشان داد که علیرغم نمایان دولت در به فرا مونس سپردن امپریالیسم آمریکا به منانه دشمن اصلی خلقهای جهان ، مردم همچنان آکنده از تشرف نسبت به امپریالیستها و صهیونیستها بوده و خواهان نابودی آنها هستند .

گرچه شعارهای که داده میشد عمدتاً متوجه این دونیروی اهرمینی بود ، لکن عده ای معلوم الحال با طرح شعارهای غیراصولی سعی بر آن داشتند تا لبه تیز حملات خلق به امپریالیسم را ، منحرف نموده و ثورو ثوق انقلابی مردم را در جهات انحرافی و ضد انقلابی به هز برند ، که خوشحانه در بسیاری موارد کارگر نمسی - افتاد .

انسان که از هر فرصتی برای حمله به کمونیستها و نیروهای انقلابی استفاده می کنند ، این بار نیز چنین کردند . اینان با قرار دادن کمونیستها ، این سر - سخت ترین دشمنان استعمار و امپریالیسم ، در کنار امپریالیسم ، خود ، آگاه و نا آگاه در کنار امپریالیستها قرار می گیرند .

سخنرانی آیت الله طالقانی در پایان مراسم قدس و قبل از نماز جمعه ، اگرچه حاوی بسیاری نکسات ارزنده و مفید نیز بود ، لکن روش دیپلومی انسان در برخورد به مسائل جاری کشور ، بخوبی میتواند مورد استفاده و سوء استفاده آن عناصر مرتجعی قرار گیرد

سزنج ، آن بالاهاست

سراجم ساعت ۵ با مدار روز یکشنبه ، کمیته مستقر در سفارت آمریکا ، بوسیله سیاه پاسداران و ماموران کمیته مرکزی " خلق سلاح " شد و اعضای آن " باسارت " در آمدند . این کمیته که فردی با سابق متکوک بنام " ما نال الله کاشانی " معروف به " ما نال الله قصاب " ! ظاهراً در راس آن مرار دست ، عمده ترین کارش حفاظت از اسناد و مدارک موجود در سفارت آمریکا و همچنین کتار انتقال بیون و در حقیقت خدمت به ضد انقلاب بود . این کمیته همزمان با قیام بهمن ماه و سساز هجوم مردم مبارز به سفارت آمریکا ، تشکیل شد . وظیفه این کمیته در واقع حفظ و حراست از اسناد و اسلحه جاسوسی و اسناد و مدارک موجود در آنجا بود . بایگای که نه تنها علیه خلقهای ایران ، بلکه با وجود سفیرانسی همچون رنچارد هلمز (رئیس سابق سیا) و ویلسون سولمان (جلا دغلی لا ئوس) کانوس جاسوسی و توطئه علیه همه خلقهای منطقه بود . لکن کمیته سفارت علیرغم فریاد اعتراض نیروهای مترقی همچنان بر قرار ماند . در مقابل ، هشت حاکمه تنها با ن گفته که کمیته سفارت زیر نظر کمیته مرکزی امام نیست ، قناعت نکرد ! آری اکنون دیگر سزنج از قریب هفت ماه " وظیفه " این کمیته بیابان رسیده بود . اسناد جاسوسی سیا و ... که افشاء آنها لزوم مرمی برای انقلاب ایران و خلقهای منطقه داشت ، به نقاط " امن " منتقل شده بود . لکن آنچه که هنوز در برده ابهام باقی مانده است ، آن دستهای قدرتمندی است که از پشت صحنه توطئه های شوم خود را یکی پس از دیگری به اجراء می گذارد .

اینکه هنوز ۲۴ ساعت از دستگیری افراد این کمیته مرموز نگذشته هنگی آزاد می شوند ، تا شد دیگری است - اینک اینگونه مراکز ضد انقلاب از تکیه گاههای نیرومندی در آن بالاها برخوردار است .

آری ، نیگمان سرنج توطئه جینی را می باست در درون هیئت حاکمه جستجو نمود . آنچه مسلم است ، کمیته سفارت آمریکا ابزار بود دست ضد انقلاب ، و تنها می توانست با یانگر گوشه ناجزی از عمیق توطئه های ارتجاع باشد .

که جز به تشبیت سرمایه داری و منافع انحصار طلبانه خود به هیچ چیز دیگری نمی اندیشند ، همانطور که تا کنون نیز قرار گرفته ، همانطور که قطب زاده ها برای توجیه ایده های ارتجاعی خود به سخنان آیت الله اشاره می کنند و ...)

بدین ترتیب معلوم میشود که نماز جمعه که جمعیتی کما سیاسی است در خدمت چه کمائی قرار گرفته است .

اندر معجزه لباس !

کیهان ۲۲ مرداد خبر می داد که " دکتر عباس مباحرانی روحانی نمای وابسته به رژیم مغفور و مدرس کل به اصطلاح سیاه دس در رسم طاغوب ، در دادگاه انقلاب و سز معممین (؟) قم محکوم شد . " از جمله اشعار ما و " کوشش درمخ کردن دس برای به عبارتی سرمایه های مادی و معنوی ملت شناخته شده است . اما مجازات او :

۱ - خلق لباس (عجب مجازات سختی ! خدا به فریادش برسد !)

۲ - ۸ سال زندان (که نا توجه به فرمان امام از زندان آزاد شد)

۳ - سپردن وثیقه سرای تعهد برداخت معادل کلاه - بردار بیبائی که کرده و بعداً روشن خواهد شد

۴ - " عدم اعطای حقوق بازنشستگی " و یکی دو مورد شبیه این .

آقایان ! آیا این همان " عدل اسلامی " است که اینهمه نویدش را به مردم دادید ؟ یک فرد خود فروخته (آنیم) بنا به اعتراف و قبحانه خودش در حضور مرحوم آیت الله مطهری در سال ۱۳۴۰ در مدرسه مسروی که قریب ۲۰ سال با رژیم خونخوار شاه همکاری داشته و چقدر توده های نا آگاه و ساده دل را بفتح ستمگران و دشمنان زحمتکشان فریب داده تنها به خلق لباس " محکوم " می شود .

شما سرباز نا آگاه و بیچاره ای را که صرفاً به دستور فرماندهان خاشخود بسوی مردم شلیک کرده به جوخه اعدام می سارید و یا با هر تهمتی که میلتان بود افرادی را پس از دواست " محاکمه " اعدام می - کنید (خوزستان) ، کاری که با هیچ معیار عادلانه ای جور در نمی آید (مگر با معیارهای فاشستی) ، چگونه بقیه در صفحه ۱۱

پیشن بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر